

**جمهوری اسلامی ایران**

**نشریه مجاهدین خلق ایران**

سال اول - شماره ۲ - دوشنبه ۸ مرداد ۵۸ - تكمشماره ۱۵۵

توضیح مجاهدین خلق ایران درباره شرکت در انتخابات مجلس بررسی قانون اساسی

بنام خدا و بنام خلق قهرمان ایران  
ما را من مجاهدین خلق ایران ضمن  
بیانیه مفصلی بتاريخ ۱۷ خرداد ۱۳۵۸  
نقطه نظرهای خود را مبنی بر تدوین قانون  
اساسی از طریق تشکیل مجلس موسسان به  
اطلاع عموم رسانده است.

بقيه در صفحه ۵

ویژه نامه مجلس بررسی قانون اساسی

• قانون اساسی و حیاتی ترین مسائل جامعه در صفحه ۶

• اصول کلی حاکم بر قوانین در صفحه ۷

## آیت اله طالقانی در مراسم



### سی ام تیر

- هدفهای مرحله جدید انقلاب را روشن کردند
- مبارزه با استعمار، استبداد بهر شکل، استثمار شعارهای سه گانه انقلاب ماست

- هر جمعیتی که بخواهد آزادی بحث و انتقاد را محدود کند، اسلام را نشناخته است

در مراسم روز ۳۰ تیر که به خاطر تجلیل از شهیدای خلق برپا شده بود، به آیت اله طالقانی خطاب به جمعیت شرکت کننده که در میدان بهارستان اجتماع کرده بودند گفت: تمام نیروها باستی در مقابل دشمنان زخم خورده ای که چه در داخل و چه در خارج، شب و روز مشغول دسیه چینی هستند، متحد شوند. همچنین ایشان صریحاً اعلام نمودند که: "اسلام تشنگ نظری جوهر در نمی آید. اسلامی که از متن قرآن و سنت پیا پی سرچشمه گرفته، آ را میرا محدود نمی کند، هر جمعیتی که بخواهد، آزادی می برد. ما در انتقاد دوخت، محدود کند، این بقیه در صفحه ۱۰

امتنان آنان در دفاع از حقوقشان بلا جواب ماند. و کاملاً سرب کوب مواجند. ملی کردن برخی کارخانه ها نیز نتوانسته به نفعی از مرحله انقلاب راهی بخش خلقهای ایران پاسخ گوید. در برخی صنایع بتدریج منابع و آستنه بقیه در صفحه ۳

## آیا ارتش

### مشروعیت دخالت در مسائل درون مرزی را از طریق سپاه پاسداران کسب خواهد کرد؟

مقدمه:

عروض خلقهای تحت ستم ماکه بار سنگین فقر و رنج ناشی از سلطه چندین و چندساله امپریالسم روزیم دست نشاندگان را بر بدوش داشتند، منجر به ساقط شدن رژیم گشت. در این میان دیکتاتور ری سپاه آرمی برای تفسیر و تحولات بقیه در صفحه ۲

### ضرورت عینی تشکیل شوراهای کارکنان در نهادهای تولیدی (قسمت دوم)

- آنان که می گویند کارگران قادر نیستند در اداره واحدهای صنعتی نقش داشته باشند، نیروهای اجتماعی کسمردهای را از شرکت در سرنوشت خود محروم می کنند.
- تنها از طریق تشکیل کارگران و اقدام صحیح و قاطع شوراهای است که میتوان از سیستماتیک شدن جریانهای ضد کارگری جلوگیری کرد.

توری سیرت که به سلطه ظالمانه بر ما بهداری وابسته در ایران ضربه سختی وارد شود و یک پایگاه امپریالسم در ایران ضربه گردد، ولی دیری نگذشت که سرمایه داری وابسته سعی در بازگرداندن سلطه استعمارگرانه گذشته خود کرد. خواهشهای بحق کارگران و کارمندان در بسیاری موارد به موانع سختی برخورد نمود. و مذاکرات و

در شماره گذشته در مقاله "طرح سندیکاها تجدیدی بر علیه حاکمیت روابط شورائی" دیدیم که چرا کارگران در برابر سندیکا از خورا دفاع میکنند. اینک قسمت دوم طرح شورائی و روابط شورائی را دنبال میکنیم. پس از شکست نظام بوسیده دیکتاتور

## آزادی انتخابات

• از زمین بردن عوامل سیستماتیک محدود کننده، راهی به درازی یک انقلاب دارد.

چنانکه در مقدمه فهرست اعلامیه مربوط به نامزدهای مشترک پنج گروه و سازمان مجاهدین آمده، شرکت ما در انتخابات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی ملازم با شرایط زیر است:  
۱- تضمین آزادی کامل انتخابات  
۲- بی طرفی صدا و سیما جمهوری اسلامی.  
همچنین در این اعلامیه حداقل شرایط و حقوق مربوط به آزادی انتخابات:  
الف - حق نظارت بر نحوه رای گیری و حفاظت از صندوقها و شمارش رای.  
ب - حق استفاده متساوی از راه دیو و تلویزیون برای تبلیغات انتخاباتی کلیه احزاب و گروهها.  
صرف نظر از تمام ایرادات اصولی و

## گزارشی از یک دیدار سیاسی - انقلابی با رهبر جنبه آزادی بخش اریتره



روزی چهارشنبه ۲۷/۴/۵۸ در مقر جنبش ملی مجاهدین ما میزبان برادرانی از خلق اریتره بودیم. این روزمند اریتره بودیم. این

### توضیح:

در شماره قبل نام "صودرجوی" نوشته مقاله "پای پی در رقابت قلم" افتاده بود، که به این وسیله تصحیح میگردد

میهمانان گرامی عبارت بودند از: زنا حمدانا رهبر جنبه آزادی بخش اریتره و محمد عمر نما پنده این جنبه در ایران، صودرجوی و دونفر دیگر از برادران مجاهدان در این گفتگو شرکت داشتند. در گفتگوی برادرانه و سازنده ای که از ساعت ۴ بعد از ظهر به مدت سه ساعت جریان داشت مسائل مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. بقیه در صفحه ۲

## برداشتنهائی از خطبه ۱۵:

### بیانیه اعلام مواضع سیاسی حضرت علی در آغاز رهبری

آغاز رهبری جامعه، ایراد نمود. در این خطبه علی با قاطعیت تمام نقطه نظرهای اقتصادی - اجتماعی و سیاسی و بطور کلی دیدگاههای خودش را نسبت به مصلحتی از قبیل ادامه انقلاب، شیوه عادلانه توسعه اقتصادی، طبقه اشرافیت سیدار و پایگاه اجتماعی ارتجاع زمان خود و... صریحاً اعلام میدارد. بدین لحاظ می توان این خطبه و خطبه بعدی (خطبه ۱۶) را در واقع سبانه اعلام مواضع امام علی در شرایط بلافاصله پس از پیروزی انقلاب دوم مردم و توده های تحت ستم نامید. بیانیه ای که خط مشی انقلابی علی را مشخص میکند و بطور کلی به نظر گسایه های تحریف شده بظاهر اسلامی آن زمان

"وَاللَّهُ لَوْ وَجَدْتُهُ قَدْ تَوَوَّجَ بِبَيْتِ الْاِقْبَاءِ وَتَلَّكَ بِهَا لَوَلَا لَوْلَدُهُ، كَانَتْ فِى الْاَعْقَالِ نَعْمَةً، وَفِي سَائِرِ عَالَمِيْنَ اَلْعَذَابُ فَاتَّجَزَّ عَلَيْنَا اَسْقِيْ" (سنگد به خدا اگر دارائشهای بخشدند، شد گذشته زایمانم، در هر جا که باشد آن را بسازد نخواهم نمود، اگر چه این اموال به کابین زمان رفته و با آن کیزان خریدار باشند، همانا توبه در عدل است. و چنانچه در سیراین راه تنگی و سختی است راه غیر عادلانه به مراتب نگاهایش بیشتر است.)  
حجرات فوق یکی از اولین خطبه های است که علی (ع) پس از دست گرفتن اداره امور جامعه و رهبری انقلاب و در

جریان بدین ترتیب است که پس از رحلت پیامبر در میان برخی از مسلمانان بقایای ناخالصی های جاهلیت و جاهله کینه در شیوه زندگی و تفکرات آنان وجود داشت. گرایشات انحرافی شیوع به رشد نهاد. آنها بدلیل وابستگی های طبقاتی خویش، و فقدان بیشتر تفکر صحیح و همه جانبه توحیدی، از انطباق با بدلولوژی متفاوت است. بی جهت نیست که عدای به قصد جمآوری عنیت و سوبه چینی انقلاب با احزاب پست و مقام ناخالصی آلوده بودند که وقتی با اعلام این مواضع، منافع خویش را در خطر دیدند، از اطراف امام علی دور شده و حتی به توطئه بر علیه او دست زدند. بقیه در صفحه ۹

### آزادی انتخابات ...

و خلاصه هر روشی که انگار او به صورت مستقیم اراده و خواست آزادی را می دهدندگان را تحت الشعاع قرار دهد .

۲- طریقه غیر مستقیم و سیستماتیک در این روشها که بخصوص در کشور های سرمایه داری غربی جایست علی الظاهر فشار مستقیم متوجه اراده دهند نیست ، لکن اوضاع و احوال کل کشور و نحوه تفکر و تربیت و تبلیغات و انتخابات طوری تنظیم شده که رای دهنده خارج از چهار چوب سیستم موجود قادر به انتخاب نیست . لذا رای انتخابی هم که بکنند در چهار چوب نظام خاص و منافع کلی آن صورت گرفته است . بعنوان مثال سیستم انتخاباتی آمریکا را در نظر بگیریم که مردم این کشور چه بخواهند چه نخواهند دست آخر با پستی کاندیداهای بگن از دو حزب جمهوری خواه و دموکرات را میتوان رئیس جمهور پذیرفت . به عبارت دیگر سیستم طوری تنظیم شده است که می تواند فرد که البته هر کدام به انحصارات و سرمایه داران معلوم الحالی وابستند یکی از آنها انتخاب شود . یعنی هیچ کمانی برای برنده شدن نامزد هایی که به انحصارات وابسته نیستند ، و از طریق شبکه تبلیغاتی آنها به مردم معرفی نشده اند ، وجود ندارد . باین ترتیب ملاحظه میشود که در سرمایه داری های غربی ابتدا مردم را به یک فرهنگ مصرف و کالایستی ، سود جویی و برتری جویی نسبت به مثل ضعیف و اصالت و رسالت تمدن خودشان عادت میدهند ، و بعداً " در چهار چوب این نظام و ارزشها و دنگها به رای گیری میبردارند .

### اسلام و آزادی اندیشی

منظور از دگمها عقیده برتری نژادی است که حزب نازی مبلغ آن بود . بنابراین چنین رای گیری و پراش از اراده های در واقع امر نمیتواند با معیار های اسلامی و توحیدی آزادانه تلقی شود زیرا مفهوم آزادی در نظرگاه توحیدی با نظرگاه سرمایه داری غربی خیلی تفاوت دارد . در دیدگاه توحیدی و اسلامی کلیه عوامل محدود کننده اراده آزاد آگاهانه بشری تحریم شده است . از مسکرات و مخدرات گرفته تا عوامل محدود کننده اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی ، بهمین

دلیل نیز در فقه راسخین اسلامی هر عقد و قراردادی که در آن بوجهی از وجوه قدرت انتخاب یا همان اراده آزاد انسان محدود نشده باشد اعتباری ندارد . حتی اگر کسی عالما " و عامدا " از قوت تنگدستی خودش حاضر شود که بخت خودش را پیش را بفروشد ، باز هم این خرید و فروش باطل است . زیرا اگر چه فروشنده بظاهر خود را مختار میداند ، ولی در واقع امر تحت اجبار خاصی به چنان کاری کشانده شده است .

### حداقل انتظار

اکنون با توجه توضیحات بالا میتوان نتیجه گرفت که طبعا " تا وقتی ظلم و استعمار و بی فرهنگی وجود دارد ، تا وقتی شعور و بینش اجتماعی و سیاسی رشد کافی نگردد ، تا وقتی تا وقتی در هر جامعه ای به نسبت خودش عوامل سیستماتیک محدود کننده وجود دارد . و خود بخود عمل نمیکند . راه رفع و رجوع این عوامل نیز راهبست اساسا " طولانی و دراز مدت . راهی بخرابی یک انقلاب بنیادین اجتماعی ، اقتصادی که ما تازه آن آغاز کنیم . راهی که تنها در پایان میتوان عوامل محدود کننده " آزادی ، با همان جبهه های خودکار اجتماعی - اقتصادی و سیاسی را دربروانشناسی جامه غنثی نمود .

لکن فشارها و طریقه های مستقیم خود کشی کردن آزادی انتخابات را دیگر به هیچ وجه نمیتوان در همین مرحله و همین امروز اتخاذ کرد . و بر آن نتورید . موضوع مقاله حاضر نیز فعلا " همینگونه محدودیتها و استبدادگری های ضد آزادی است . به عبارت دیگر از دولت و مراجع میخواهیم که لافلاف منطف چوب و جاق و پنجه بکس و شانتاز و تهدید و همجنین دست جمعی فرستادن کارمندان و کارگران یک واحد را بپای صندوق محکوم کند . تنها در اینصورت میتوان گفت که روشهای انتخاباتی آریامهری از این کشور رخت بر بست است . همه میدانیم که در زمان شاه مخلوع شیومرای گیری کامیونی و از ترس قطع حقوق و از دست دادن مزایای مختلف تا چه پایه مبتدل و نفرت انگیز بود . لذا اکنون نیز نباید گذاشت طبع محدودیت و فشاری تحت نام هر کسی و هر حزب بر موضع گیری های مختلف انتخاباتی افراد وارد شود .

### گزارشی از یک دیدار ...

استندار ریتره را تصرف کنند . از این تاریخ استعمار رایتا - لیا با نهایت خشونت و وحشیگری مردم ریتره را مورد استعمار قرار داد ، و همه تندهای مستقل کشور را منهدم کرد ، هنگامیکه در ۱۲۰۰ هوسولینی دیکتا تور ایتالیا به انگلستان اعلان جنگ داد مردم ریتره غوشعال شدند چون ترا را نهجائی برای خود تلقی میکردند و در سال ۱۹۲۱ نیروهای ایتالیا در ریتره شکست خورده و ریتره به تصرف قوای انگلیس درآمد و مردم قهیدند که تنها استعمار رگری رفته و استعمار دیگری آمده است .

### تاریخچه مختصر مردم ریتره:

در ابتدا احمدنا مرمن - تفریح مختصر خصوصیات جغرافیایی تاریخی و اجتماعی و فرهنگی ریتره چنین گفت : از قرنهای پیش ریتره سرزمین مستقلا بوده است ، با تمدن ، سنجی ملی و تاریخ غنی خود . ولی استعمارگران کوشیده اند ملت ایتره را هم چون دیگر ملت های استعمار زده یک ملت بی تاریخ معرفی کنند . اولین استعمارگران عثمانی ها بودند ، و سپس نوبت ایتالیا تنها رسید که در سال ۱۸۸۹ پس از چهار سال تصرف

که اتفاقا " تجربیات فراوانی نیز طی ، نالها اندوخت است . گفت . به ترتیب برای ارتش که تا بحال زیر ملامت سوال فرار داشت و از داخلش در هرگونه گریهایی درونی جلوگیری میشد ، زمبهای فراوان آمد تا در آینده آزادانهوار صحنه شده بود .

### تحولات اخیر ارتش

ارتش تا قبل از انقلاب بی محاسبا مردم را محکوم میکرد ، و اساسا " یکی از وظایف عمده این نیز همین بود . ولی اکنون نه تنها دیگر مردم زیر بار این ساله نرفتند ، بلکه حتی خود پرسنل آگاه ارتش نیز از فرار گرفتن در برابر مردم با داشتند . در قطعا همه های پرسنل ارتش که به سنجشهای مختلف انتشار بی یافت ، " کبرا " شاهد بودیم که خواستار عدم مداخله ارتش در مسائل درون مرزی بود . ند . مخصوصا " در جایی که پای الله القانی تشکیل شوراها رایتا راه رسیدگی به خواستهای خلق های تحت ستم ایران میداند . هیچگونه مخری و توجیبی برای دخالت ارتش باقی نمی ماند . هنگامیکه برخی سران جنایتکار ارتش در در دادگاههای انقلاب به سناکه میکشیدند ، در مقام دفاع از خود میگفتند که : " به ما گفته میشد برای حفظ نظم باید این خرابکارها و اعمال اجنبی را بکشیم " . آ تا میباید آور نخواهد بود اگر اکنون هم برای حفظ نظم در برابر عمال بیگانه ، دیوار حربه ارتش بکار افتد . هرروزه شاهد بازسازی سریع ارتش هستیم . بالا بحه های مفره - گونه تعرضی نسبت به سناحت پاک پارتش متنوع اعلام میگردد ، و فرماندهان و سران سیردگان رژیم پیشین از زندانها آزاد میشوند . در حالیکه عموما پستیهای حساس را در ارتش همینگونه افراد بر عهدہ دارند سروسهای فدا اطلاعاتی با همان کادرهای قدیم و با همان وظایف و اهداف دیوارها میگردند . قراردادهای تسلیحاتی ایضا " شده و از مستشاران دعوت میشود برای ادامه کارهای خویش بازگردند . اخیرا " هم با استنادگی غیر قابل انتظار در برابر خواست شروع و برحق پرسنل نیروی هوا - فی در مورد تشکیل شوراها ، آشکار شده

### ورود پاسداران به مسائل منطقه ای

دیکتاتوری ، تضادهای راکتاناوج بلوغ و رشد خود رسیده بودند ، زیر سر - پوش خود پنهان میداشت ولی با ساقط شدن رژیم این تضادها بشکل بارزی خود را در مناطق دوزخ افشاده این سرزمین که بار سالها ظلم و استعمار مشا معاف از سر دوش کشیده بودند ، نشان داد . ساله ملتیارا همانگونه که بارها در تجربیات خلق های دیگر با ثبات رسیده است ، به شکل سیاسی میتوان حل کرد . و راه حل نظامی تنها منجر به پیچیده شدن آن خواهد شد . و همین جهت با ورود پاسداران به مسائل ملی و منطقه ای - بین بحرانی نه تنها فروکش نکرد ، بلکه شعله ورتزید شد . از طرف دیگر فقدان توانا - میها و آموزشهای رزمی و ضعف دفاعاتی سها منجر به مشروعیت دخالت ارتش ،

ندارد و به انگلیس واگذار کردند . در سال ۱۹۲۲ انگلیسها طرحی برای تقسیم ریتره اندیشیدند ، بدین ترتیب که جنوب ریتره و ارتفاعات مرکزی به سعه متصل خود قسمت شمال غربی مستعمره انگلیس باقی بماند و به سودان نیمه انگلیسی ، نیمه مصری بپیوندد .

### تقوید آمریکاداران ریتره:

امریکا که اهمیت سوق الجیشی ریتره را بخوبی شناخته بود قرار دادی با هیلاسلاسی امیرا طوراً تیویبی بست که طبق آن حکومت انیویبی در صورت تسلط به ریتره در آنجا بیکاه های نظامی در اختیار امریکا قرار میداد . در ۱۹۵۰ها فعالیت ونفوذ امریکا ، سا زمان مثل طیسی تشکیل کمیسیون با تصویب بقیه در صفحه ۸

تنها ارتش ضد ناردانسناست گذشته و درگون کند ، بلکه هرچه بیشتر درمد است حاکمیت و اقتدار گذشته خود را باز - باید . چشمهای نگران خلق ما و نیروهای انقلابی درون ارتش کجنگا و اما این چرخش ارتش سوی عقب را تعجب میکند . و البته سادگی هم ز باران نخواهند رفت درمین حال کنار گذاشتن امری مهمی فرمانده دزبان مرکز نشان دهنده تسلطی است که سر نظر از نوسانات مومنی ، با تعدد مراکز قدرت موافق نیست . از طرف دیگر کاربردن افرادی که با نظرات معتدل - تری معتقدند ارتش نباید رودر روی مردم قرار بگیرد . و ارتش باید آکا دموکرات باشد و ... میتواند مقدمه ای باشد برای دخالت ارتش در مسائل منطقه ای و سر - کوب خلقها .

### زنگ خطر به صدادر میاید \*

بی جهت نیست که بلافاصله پس از فارغ شدن ارتش از عمل جیشی از نداد - های داخلی خود ، اولین اخباری که در مورد ارتش میخوانیم اینها هستند : " دولت امنیت منطقه رومیه را به لنگر ۴۴ واگذاشت و روز بعد فارغ میگردد " " ارتش باید برای حفظ نقاط آشوب زده مداخله کند " . با مقایسه ساده ای از اوضاع و دستور - العمل های اخیر ، با چند ماه قبل و پس از سقوط دیکتاتوری ، تفاوت کیفی عظیمی مشاهده میشود . این اختلافات ناشی از تلاشهای فراوانی است . برای کسب وجهه دیوارها ریتره مشروعیت دخالت آن حتی در امور داخلی ، و زمینه سازی برای غلبه آن نشان دادن در ارتش را اقدامی که در شرایط خاصی توسط ارتش صورت میگردد . با ورود ارتش به صحنه سیاسی این سوال مطرح میشود که آیا همین زنگ خطر نیست که ما به موافق این امر هشدار دهیم ؟ و از مصادف فراوانی که در ارتشهای نچندان دور در ارتش خلق ما سا را آکا ساد ؟ آیا این اعمال همان ارتش گذشته را تدامی نمیکند که به سناحت حفظ نظم به هر وسیله ای از جمله مرکب - مرم متوسل میشد ؟

### گزارش سازندگی

مردمی میباید. روشن است که انجام چنین تحولات اساسی در جامعه جز با حرکتی خلقی در مسیر مبارزات عدا میریالیستی خلق قهرمان ما امکان پذیر نیست. چه بر اساس یک تحلیل واقع گرایانه از تحولات اجتماعی، وقتی اساس و بنیاد این بنا - با ما تنها را در حضور مردم و مستمرا میریالیسم جستجو می کنیم، حرکتی جز حرکت در این مسیر، بیشتر به یک ترقی مسکن است تا حل و علاج قطعی تضاد های اجتماعی - اقتصادی، چرا که حضور هر چند تصفیه میسر - یا لیسم در صحنه های اجتماعی - اقتصادی، بر فرض موفقیت سزنا می های ما، آنها را نیز از بین برده و زمینه را برای تسلط مجدد خود هموار می نماید. بر اساس چنین بینشی و سادگرد صحیح و توحیدی از تحولات سیاسی - اجتماعی جامعه، سازمان جوانان مجاهد، در کنار دیگر فعالیتهای خود، تلاش کرده و میکند، با بسیج نیروهای فعال و دلجو برای تحقیق هدفهای فوق بگوید.

### گامی کوچک ولی ارزشمند با مردم، در جهت مردم:

از زمانیکه مسئله کارهای عمرانی، در روستاها برای فصل تابستان، در دستور کار سازمان جوانان مجاهد قرار گرفت، روستاهای متعددی شناسایی و ارزیابی شدند. در هر روستایی که قدم میگذاشتی، با انبوهی مسائل و مشکلات بس بنیادی روبرو میشدی و توقعات فراوان روستائیان، توقعاتی که حق طبیعی این محرومترین قشر جامعه محسوب میباید. در بین تمام این دغدغه ها، یکی از مهمترین دغدغه ها، مسئله آب آشامیدنی است. در روستاهای بسیاری که در این دغدغه ها گرفتاریم، آب آشامیدنی در دسترس نیست. بعضی دهات نیز پیدا میشوند که غرابها بی به سرا تیب و خشکاند که کربشها نسی شان نقش بسته است.

بنیاد شناسایی ها و ارزیابی بنیادی قطعی که به عمل آمد، به میانس آب در مسعود گردیم. دهی که در بدو ورود ناظران راهیادش زوزیا و فارتگری دنیا ل مبولها میاندازد و بیس مسئله، این منطقه به عنوان یکی از طرحهای عمرانی تابستانی سازمان جوانان مجاهد قرار گرفت.

### میانس آب چگونه دهی است؟ و شرایط امروز چیست؟

جنوب جا ده قزوین - زرجان در حاشیه راه سلطانی، ده معروفه ای بنام میانس آب قرار دارد. این ده زمانی، یکی از آبادترین دهات این منطقه و دارای زمینهای سرسبز و زیبا بود. همین غمی و آبادی آن موجبات نابودی و اشهادش را فراهم میساخت. فکودال معروف منطقه از دیرباز بفرگرتسلط و به چنگ آوردن این زمینها بود و برای رسیدن به این هدف از هیچ دسیسه ای فرودگذا ر نمیگردد و طبیعی است که کلیه نیازهای رژیم سرنگون شده شا و نیز در این راه در خدمت بودند. بطور خاص برادر معدومش که مهربه ای حاس از ارتش فدرطقی شا بود کمکتگا موثری برای انجام میداد، او نیز نقش همیشگی یکا رتشی ضد خلقی را بخوبی به انجام رساند. توطئه دسیسه چینی آنها، وقتی توانست بخوبی موثر افتد که با استفاده از شیوه های معمول و شناخته شده دیگر مامان قدرت، دست به ایجاد اختلاف و جنگ در بین روستائیان زدند. فرمول نیزغیلی ساده بود، چند نفر مسلح را پیدا کرده، گاه به گاه به ده حمله کرده و آرایش مردم را سلب میکند، چند نفر از اهالی ده نیز غریبه شده و گاه با همگامی آنها و گاه خود مستقلاً به حریم دیگران تجاوز و میگردند، نتیجه از قبیل شمش است، درگیری و سرخورد بین اهالی که عمدتاً به تنگنا نبود کردن سزار و آتش زدن خانه ها در آمد و بنیاد آن کوچ کردن همه، اهم از تحریک شدگان ویا دیگر مردم و بنیاد آن آما ده شدن زمینه برای تسلط ارباب.

ولی اوضاع و احوال متغیر اجتماعی، به ارباب اجازه نداد که علیرغم این جنا پتیا، به زمین مورد نظرش دست پا بدهد چرا که تغلیبه ده با شکل گیری جنبش خلق ما، همزمان و شد و دیگر آن غرابط مطلوب در جزیره ثبات ارباب برای غارتگریها، نسی توانست محفوظ باشد. سائکترین روستا به شهر گریختند و در راه های میانی در زمان مستقر شده به کارهای می شیه آن مشغول شدند. ده مغرو به آنها نه تنها هیچا مکانی را برای بازگشتشان در غود حفظ نگردید بود، بلکه ترس از ارباب نیز شرا پتی را بوجود آورده بود که آنها را حتی از فکرترا زکشت به زاد و بسنا نیز منحرف کرده بود.

### امید مردم در جهت محیط میارزه تقویت میشود:

مبارزات اخیر مردم غیلی چیزها را موش کرد. روستائیان

میاهدین شاه زرجان که آفر ز تشکیل، تلاشهای وسیعی در جهت حل مشکلات مردم و کمک به برنامهای مردمی مقامات استان انجام داده بود، برای این طریق را به عهده گرفت و به خاطر گستردگی وسعت آن بنا همگامی جوانان مجاهد و فعال تهران دست بکار انجام دادند.

### طرح بازسازی روستا

آنچه که از این ده اینک باقی مانده است به جرئت می توان گفت که قابل استفاده نیست. زمینهای حاصلخیز آن مدت است که بدون کشت مانده، خانه ها و منازل سنگونی همواره خراب، سوخته و غیر قابل سکونت است. ولذا نیازمند به بازسازی کامل میباشد. ساختن ۳۸ بستگا منزل، یک باب حمام، مدرسه، مسجد و بنا لغا نه برای آن ضروری است. طرحی که اکنون در دست اقدام است محدود به ساختن خانه ها است و آیم جا اندازه ای که توان و امکانات ما، نیروی انسانی، مالی و اختصاصی و وقت محدود اجازه میدهد.

### انجام چنین طرحی نیز به ضرورت عینی

سرمایه دارانی که عمری خون کارگران را بکده اند با حکم و دستور رسمی، کارخانه ها بازگشاید. اینان عوامل بنیادینی کارگران و کارمندان را فراهم ساخته اند. و از آنجا که متراف کارگران در این زمینه به نتیجه نرسیده، با مت زدگی و دلزدگی آنان شده است. تاثیر این جریان را در کم و کیف کار در محیط کارخانه میتوان دید. کارفرماها و سرمایه دارانی که حتی چشم دیدن بهبود در وضعیت کارگران را ندارند، بر شد کارگران و احقاق حقوق آنها متضاد با منافع خود میبندند. همگی دست بدست هم داده، با نقشه های حساب شده سعی در محروم کردن کارگران و کارمندان از حقوق حقه خود دارند. و امروز کارخان به جانی رسیده که با نفوذ در سیستم حاکم به خود جرئت دستگیری و توهین مکارگران و کارمندان را نیز میدهند. در میان تمام موضوعات مربوط به داری و ایست، به تیر حملات آن توجیه تنگ کارگران است، که این خود دلیل، بروخت آنان از متحد شدن کارگران و کارمندان میباشد. و از آنجا که همیشه دشمن به جانی که بیشتر نامش را خطر مانی ندارد حمله میکند، مطلقاً به شوراها و در مواردی دفاع از سندیکاها می تواند. دلیلی بر حقانیت آن باشد. سادماندیشانه است اگر تصور خود با دست روی دست گذاشتن و سواره نکردن با سرمایه داری و ایست با میرالیم میتوان به فقر و رنج توده های مستضعف و بخصوص کارگران پایان داد. آنها آنان به گرسنگی خانواده کارگران و بیسکتی ویا گرفتاریهای ناشی از سلطه نظام سرمایه داری و ایست بر زحمتکشان میسوزد. مثال سرمایه داری و ایست با استعمار و نظام امپریالیسم با زحمتکشان تحت شتم مثل گرگ و گوسفند است. گرگ آرزو دارد

مقدمت و تمسیدات زیاد دیدار و ولی نیاز زمزم روستائیان و محدودیت زمانی ایجاد میکند که سریع دست بکار شد، نقشه ساختن خانه ها تهیه شد و اولین سری دانش آموزان در او غسر



غردا برای کار به منطقه اعزام شدند. در اوایل اشکالات زیادی برای کار وجود داشت، و بعد از لحاظ شرایط زمستانی اردو مثل جا و غذا و... وجه مسائل کارگاه.

### جوانان پر شور با سازندگی روستاها خود را میسازند:

تقریباً هیچ ایماکنی برای زیست وجود نداشت، باید گیسر کله برانکده و بدون حفاظت باشد. مگر همین رژیم شاه نبود که سالهای سال با تفرقه و سرکوب تشکیلات سیاسی انقلابی خلق ایران، تشریفات ملی و دستخیز خلق را به دهان امپریالیسم می ریخت. ولی از روزی که مردم متحد شدند عقب نشست و سرانجام برانود آمد. وضع سرمایه داران وابسته و سوزگ هم همینطور است و بایستی کارگران - خانجات با نیروی اتحاد و تشکل در شورا های کارگران بر سرنوقت خویش حاکم گردند.

### در جاییکه دشمن آزادی کارگران از قید استعمار کمزگی، شب و روز در حال توطئه می باشد، ضروریست که کارگران و کارمندان صدیق کارخانجات بعنوان یک طبقه انسانی و یکسلی مله توطئه امپریالیسم اختلافات باقی مانده از رژیم سابق را حل کرده و در شورا های کارگران از حقوق خود دفاع کنند.

### لزوم شوراها از نظر حاکمیت خلقی بر سرنوقت خود:

حاکمیت کارگران و کارمندان بر سرنوقت خویش مهمترین بخش از حاکمیت تمامی خلق بر سرنوقت خویش است. انسان آزاد آفریده شده و این حق است خدائی که اجرای آن به دست خلقها و در جهت نفی استعمار و بهره کشی انسان از انسان عملی میشود. بفرموده قرآن حتی به غیر هم حق تسلط جبری و آمرانه را بر سرنوقت دیگری را ندارد. *انما انت مذکر کست علیهم بصحسیر*، ای پیغمبر تو فقط نشان دهنده راهی، موقت تسلط و سلطه جویی بر کسی نداری. چه رسد به قدرتی که با هیئت استشارگران و ضد مردمی داشته باشد. اگر بخاطر آوریم کسانسانها برای دفاع از حقوق خود جبرا با حالتی دست جمعی و متشکل عمل میکنند، ویا در طول تاریخ پیروزیهای مستضعف بر دشمن اصلی انسانها مانند نظام برده داری و

بودن منطقه و بخصوص گرد و خاک مستمر، زندگی در جا در را مشکل میکرد و تا قهای قابل سکونتی هم نیز به آن شکل وجود نداشت ولی آنها از همان اول دست به کار شدند. چندینا در نصب شد و



اتاقهای معدودی نیز آماده سکونت گردید. در یکی دوسوم اتاقهای پهن را تخلیه کرده و بعد از نظافت در آنها ساکن شدند. مشکلات کارسیزی زیاد بود. روزهای اول حتی از لحاظ بیل و کلنگ و دیگر وسایل کار در منطقه بودند. نقشه ها غضا تنها بقیه در صفحه ۲

فئودالیسم همیشه با اتحاد و تشکل خاص آن دوره تاریخی میسر بوده، ستوانیم نتیجه گیری کنیم که لازمه مبارزه با امپریالیسم این پیچیده ترین دشمن خلفها، داشتن یک تشکیلات پیچیده انقلابی است. کسانی که میگویند کارگران قادر نیستند در اداره شورا های کارگران سناهای صنعتی نقش داشته باشند، دانسته یا ندانسته آیه آیه ضد انقلاب می ریزند. نیروهای اجتماعی وسیعی را از شرکت در سرنوقت محیط کارشان محروم میکنند. و بر تفرقه و اختلاف داخلی کارگران دامن میزند. کارگران را نسبت به قدرت عظیمی که در اختیار دارند و زمینه را بهفت سستی غیر نگه میدارند. و زمینه را برای آزادی دست و ایستگاه امپریالیسم فراهم میسازد. و روحیه انقلابی کارگران را مخدوش میکند.

### ضرورت شوراها بعنوان گامی در جهت مبارزه ضد امپریالیستی:

در شرایط کنونی مناسبترین شکل برای ادامه مبارزه ضد امپریالیستی خلق، های سراسر ایران تشکیلات شورایی است، که بتوانند روابط و مناسبات شورایی را بین خلقها مستقر کرده، آزادی ضروری را تأمین نماید و همه نیروها را متشکل سازد. در غیر این صورت هیچ شکل دیگری نمیتواند خاص حاکمیت تمامی مردم بر سرنوقت خودشان باشد. بشارت دیگر شوراها مناسبترین شکل، برای تضمین محتوای ضد امپریالیستی مبارزات مردم است. می بینیم که امپریالیسم آمریکا و لیبرالیسم سازشکار و مرتجعین داخلی با توطئه های بنیاد افکانه خود هر روز در سپین ما بخصوص در محیطهای کاری، سعی میکنند که اشکال بدون محتوایی از الگوهای نوع سرمایه داری را به کارگران تحمیل کنند. بقیه در صفحه ۲

### ضرورت عینی...

مقاومت در برابر این سببه‌های سرمایه‌داری وابسته و اقدام به تشکیل حفظ و گسترش شوراهای کارکنان همان رسد مستضعین کارگریه حقوق صنفی - سیاسی و ایدئولوژیک آنهاست. این عمل برای ادامه مبارزه‌ای است که با سقوط دیکتاتوری آبراهام لین، آغاز شده است. و از مبارزات اساسی تداوم انقلاب مردم است و ضرورت تشکیل شوراهای از بنیان خودیست.

در شرایط فعلی و مرحله کنونی انقلاب، برای تحقق خواسته‌های قانونی کارگران و کاربنانان باستانی این دو محل کار خود دست به تشکیل شورای واحدی از نمایندگان واقعی خود بزنند. شورایی که بتواند با شکوهی تمامی نیازهای صنفی-سیاسی و ایدئولوژیک آنان باشد.

### ضرورت شوراهای در رابطه با راهاندازی صنایع و بهبود مدیریت

دولت نیز بعنوان وظیفه‌ای ملی و تعهدی که درقبال خلق ایران دارد بایستی تمام کارخانجات سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم و صهیونیسم و همچنین کارخانجات سرمایه‌داران بزرگی را که الهیاتی سال شیره جان مردم را کشیده‌اند واقف

ملی نموده، نمایندگان مالی با نهایت مردمی برآن کارخانجات بگذارند. از طرف دیگر شوراهای کارکنان نیز با طرح خواسته‌های سیاسی خود بایستی با نمایندگانی دولت در این کارخانجات و با نمایندگانی کارفرما در موسسات خصوصی کوچک بر خورده‌ی حق-طلبانه در جهت رسیدن به وضع عادلانه خود، در جهت گردش چرخ صنایع کشور داشته باشند، و همگام با استغای حقوق خود، در جهت گردش چرخ صنایع کشور افزایش تولید و بهبود اقتصاد کشور گام سازنده بردارند.

### ضرورت شوراهای در جهت جلوگیری از تلاش‌های ضد کارگری

آنچه ضرورت تشکیل کارگران را در شوراهای بیشتر می‌کند، در رابطه با طرح‌های خاصی است که امروزه در جامعه شکل می‌گیرد. هدف آنها ایجاد محدودیت اعمال فشار بر کارکنان و جلوگیری از حرکت جمعی آنها در مسیر خواسته‌شان میباشد نیروی ویژه نمودی از آن و با اصطلاح برای برقراری نظم در کارخانه است. مورد اعتراضی گسترده کارگران قرار گرفته است. محتوای این نیرو، ضد کارگری میباشد. تنها از طریق تشکل و همبستگی کارگران و اقدام صحیح و قاطع شوراهای است که میتوان از سیاستیک شدن جریان ضد کارگری جلوگیری کرد.

### گزارش سازندگی...

در حین کار تکمیل شد و با لطیف دوباره کارهای باقی را به پیش آورد. ولی اراده پر شور جوانان آنها را پشت سر گذاشته و مصمم به اجرای طرح پرداختند. کمبودها و نارسا فیهایی موجود با کمک های ذی‌فکری که مقابلهات استان کرده‌اند تا حدی برطرف شده و هم‌اکنون به تسهیلی از خانه‌ها گنجه شده و بعضی از آنها نیز دیوارچینی شان شروع گردیده است.

بطور متوسط بین ۱۵۰-۱۰۰ نفر از دانش آموزان در آنجا مشغول کار هستند. برنا نما زندگی روزانه آنها، از ساعت ۵ صبح آغاز می‌شود، که پس از ادا نما وضو و ورزش دسته جمعی و صرف صبحانه ساعت ۷ صبح در جمعیت سرپرست نشانی به سرکار می‌روند و تا ساعت ۱۰ صبح میرود. زنده در این فاصله ساعت ۱۰/۵ - ۱۰ ریه استراحت و صرف چای می‌پردازند. بعد از آنجا مکار روزانه و صرف نماز و ادا نما، برنا نماهای فشرده و آموزشی جوانان شروع میشود

مطالعات گروهی با فشرده برنا نماهای آموزشی اردو، استراحت و قدری بازی، مطالعه روزانه و بحثهای جمعی، بقیه برنا نماها را تا شب تکمیل میدهد. در اردو برنا نماهای جمعی جریان دارد. اما از کار زندگی و آموزش و مطالعه و بی تردید این برنا نماها در لابردن روحیه جمعی بچه‌ها و ورزش و ایدئولوژیک آنها نقش بسیار زیادی دارد. این را میتوان در سرخوردنها و اظهار نظرها نشان بخوبی دید. بخصوص که مدیریت مشکلات و سختیهای اردو، چه از لحاظ شرایط اقلیمی، آب و هوا و کار بدنی، وجه کمبودهای رفاهی و آموزشی، با علاقه و شور به کارشان میشوند.

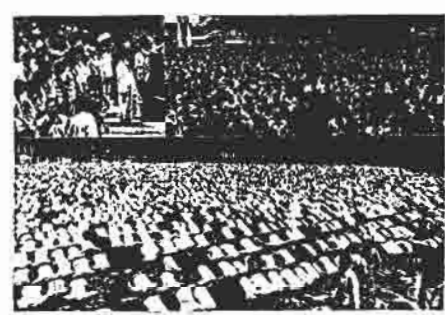
البته گمان زیاد پیدا میشوند که بعد از مدتی توقف در اردو مجبور به ترک آن هستند ولی عمدتاً مشکلات و مسائل مختلف منجمه وضع درسی و نما تودهای آنها ریه اینکار را می‌دارد و کمتر کسانی هستند که مدیریت آنها را دشوار دانند. کارگرهای منفی برای اردو متصور می‌باشند. در حال، در این گوشه از

میهمان کار، ریه علاقه و سازنده جریان دارد. کار ریه عمدتاً بر روحیه و شور انقلابی جوانان متکی است. همان انگیزه‌های پاک و انسانی که آنها را به مسرمینا رزات قددیکتا توری و امیربالیستی کشانده و اینک آنها را در شکل دیگری از این مبارزه بکار گرفته است. این سرمایه بگروها ارزشی است که در صورت وجود آن میتوان بزرگترین سدها را شکست و از زمین سردرد را اینجا تجلی اش را می توانیم در انطباق این عزیزان با شرایط سخت اردو، و دوری از زندگی شهری و غنا نوادگی ببینیم. جوانانی که بی‌تردید برای ما نویسنده تولد انما نیایی مودود و تازه ریه همرا ه دارد. بخصوص که در شرایط فعلی، گرمای مردانه و روزه‌های ماه رمضان، مزید بر علت میشود بر استی قدم گذاشتن در جریان نیایی که سازندگی انسان را بدنبال دارد. ویرا نیایی آنها دو (هم) را بوجود می‌آورد. مشکلات مردم را تحمل میکنند که سعادت نیست، بخدا پیار و پیاورشان باشد.

### نماز وحدت...

قشورنمایا ورد جلو، حال لاکه از پخت برده می آید آشکار می‌باشد. یا همه یا دیدیم بریم یا استعمار را در تمام دنیا دفن خواهیم کرد! اگر جمعی خودنشنیده

آنچه در گرمای ظهر جمعه مغفوف فشرده جمعیت میلیونی مردم آنرا نشان دادند، یک کلام نماز وحدت ناشی از نیایا بیکار و بچگی و وحدت بود، بیکار و آیه الله طالقانی وحدتی که



عکسی از مراسم نماز جمعه که در دانشگاه تهران برگزار شد. در این مراسم، نمازگزاران، نماز وحدت را در تمام شهرها برگزار کردند. این مراسم با حضور میلیونی مردم برگزار شد.

### گزارشی از بزرگترین...

ها را نشان دهند. در این محیط صمیمی برادران کارگر و کارمند بدون از روابط فاسد و پرازمون، طن دوران رژیم طاغوتی در کنار هم نشاندند. آنان با حرکت در جهت کسب حقوق اجتماعی و شرکت فعال در سرنوشت خود، از یکطرف رشد اجتماعی، وحدت و تشکل خود را نشان دادند. و از طرف دیگر شکرانه میراث خونبار شهدای انقلاب را بحال آوردند. زیرا که هدف از انقلاب و شهادت عفوفاقی خلق مستضعف بود. و امکانات و نعمت آزادی فراهم گشته نیز هدیه شهادتیا، اسارتها، شکنجه‌ها، و رنجهای گذشته است. باشد که با بهره گیری هر چه بیشتر از امکانات و شرایط اجتماعی، درجهان جامعه پیش اریبش شکوفاترند و تشکل و انجام باشد. بر مکن هر که در شرایط موجود در راه ایجاد، گسترش و حفظ این قبیل شوراهای و اتحادیه‌ها سنگ بنیاد خون شهدای ما را پامال کرده است.

### هوشیاری انقلابی نمایندگان

آنچه این اتحادیه را تونید بهتر میکرد، هوشیاری انقلابی بر خی نمایندگان بود. یکی از آنان در باره ضرورت اتحاد و تشکل در غورها از روش‌های انقلاب و تجربه آنان سخن می‌آورد. نماینده ای دیگر هوشیاری می‌گفت: ما به عناصر وابسته بریزیم سابق و اخیر عده کارفرمایان آبرامی اجازه نمیدهم که ما را زمین بزنند، با اتحاد ما را از ماکر متلا-شبان کنند. اگر کارفرمایا بخوانند کنگره و تشکلات ما را بهم بزنند باشد، می‌باشد این کار را بکنند. ولی بدانید که مولا ما روش مقابله با آنها را میدانم. نبود دیگر این هوشیاری وقتی

آشکار شد که نمایندگان بهیچوجه حاضر نبودند از خواست خود یعنی بر فعالیت شورائی، و نه سندیکائی، که صرفاً صنفی باشد، عقب‌نشینی کنند. و این نشان دهنده درک عمیق کارکنان از تفاوت شوراهای و سندیکاها بود. بر استی طرح شوراهای علاوه بر داشتن مزایای طرح سندیکائی، از ویژگیهای سیاسی-ایدئولوژیک نیز برخوردار است.

اساسنامه و قطننامه اتحادیه، و رهنمودی برای کارگران سراسر کشور:

در این مجمع شورائی مرکزی اتحادیه دبیر اتحادیه و... انتخاب شده و پس از تصویب اساسنامه و قطننامه، ادا مکار-های اتحادیه به آئینده موکول شد. اساسنامه و قطننامه اتحادیه شامل اهداف مترقی با مضون انقلابی و آمو-زنده بود، که بختیبه به بررسی می‌پردازیم:

### اساسنامه اتحادیه

۱- هدف: "هدف از تشکیل اتحادیه شناخت و تضمین حقوق اجتماعی صنفی، فرهنگی اعمال، و همچنین تشکل ساختن وجهت دادن و هماهنگی فعالیتها ی اجتماعی و صنفی و فرهنگی اعضا" درجهت تقویت و پشتیبانی، از حرکتها و خواسته‌های انسانی جامعه، و نیز دفاع و کسب حقوق اجتماعی و صنفی و فرهنگی اعضا. بر اساس موازین اسلامی، برای دست یابی به جامعه بی طبقه توحیدی می باشد.

"تلاش در جهت ایجاد صنایع ملی و صنعتی شدن واقعی کشور، و از این بردن وابستگی تکنولوژیک به کشورهای خارجی، و بطور کلی مشارکت موثر در سیاستها و خط مشی‌های سازمان گسترش و توسعه صنایع ایران، و شرکتیای تابع و وابسته، و همچنین مشارکت در انتخاب مدیران و

ستولان و ادارا مورش رکتیای تابع و وابسته" تضمین حقوق سیاسی، اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی اعضا، شوراهای بعنوان هدف اتحادیه، با اینگر رشدهایی جریانی کارگری از فعالیت‌های صنفی و سندیکائی به شکل شورائی است.

جالب اینکه نمایندگان معمولاً بر مضون اسلامی شوراهای تکیه میکردند. به روش شورائی اداره امور که در زمان پیغمبر (ص) و علی (ع) بنیادهند. استناد می‌نمودند. آنان تمامی تلاشهای رسمی و غیر رسمی را که می‌خواهند کارگران ریه فعالیت صنفی محدود کرده، و از حقوق سیاسی، اجتماعی و فرهنگی محروم کنند محکوم میکردند.

**فاطمه امینی**

زنده و پرشوری ذات که هرگز نشانی از ضعف و دلنگی در او چشم نمی خورد، او در برتونگش توحیدی خود، مشکلات و سختیهای مبارزه را از لوازم تکامل و ارتقا انسان می دانست. در نامه‌ای به یکی از شاگردانش چنین نوشت:

"خدا پرستان با دین کارکنان روزگار خرسند بوده، تحول و تلاطم آنرا بخود تیر پیگ بگویند. زیرا هر قدر شریبش برود جریسان روزگار (با تقدیر و خواست خدا) او را محتاجتر، آماده تر و زودبختتر به سیرد طریق حق می نماید... امیدوارم در مقابل (دشوارهای زندگی مانند کوه استوار و پیا بر جا باشی و همه آنها را با پشتی بیشتر و اندیشه عمیق تحمل نمائی، تا بجای برسی که واقفا "احساس کنی هیچ ناراحتی نداری..."

تمام

# شرکت در انتخابات مجلس بررسی قانون اساسی

## بهترین نحوه تشکیل مجلس بررسی قانون اساسی از طریق شوراهای مردمی است شرکت فعال نیروهای انقلابی، آنها را از خطر سکتاریسم و پرت افتادن از توده‌های مردم دور خواهد ساخت

### شرکت در انتخابات مشروط بر حق استفاده متساوی از رأی دولتی و یون برای تبلیغات انتخاباتی کلیه احزاب و گروه‌ها می باشد.

در این بنامه پس از تشریح اهمیت تعیین کننده و سرنوشت‌ساز قانون اساسی نقطه نظرهای اصولی خود را در مورد این مسأله بیان نموده و تفوق مختلفی نیز برای نحوه انقلابی تصویب آن عنوان کرده بودیم. این نقطه نظرها و راه‌حل‌های مختلف که امروز نیز نمیتوان هیچ‌کس را ای برآنها وارد دانست بطور خلاصه به شرح زیر بودند:

- ۱- آن قانون اساسی که می‌خواهد اساسترین و مهم‌ترین اصول و روابط حاکم بر تمامی خلق را مشخص کند، تنها با اشتراک نمایندگان آن خلق، قابل پیروزی است. و الا اراصالت، مشروعیت و حقانیت ملکی برخوردار نیست.
- ۲- پیروزی چنین نظام‌نامه‌ای تنها در عهده یک شورا یا مجلس تمام خلق است که گاه موسسان نیز نامیده می‌شود. در همین رابطه بایستی از رسالت و مسئولیت مضاف مجلس مورد نظر امروز کشور مانا برد. که بر حسب نتیجه درختان فرزندانوم، پیروزی نظامی بر اساس اسلام را از جانب این خلق قهرمان بر عهده دارد.

۳- بهترین نحوه تشکیل این مجلس از طریق شوراهای مردمی است که می‌باید در برابر کشور تشکیل شود.

۴- در صورتیکه برپای این شوراها "فلا" مقدور نباشد، تنها راه حل‌السیعه عادلانه ای که باقی میماند، تشکیل مجلس موسسان از طریق انتخابات سراسری است.

### علاج قطعی در ده‌های میهن؟

البته این نقطه نظرها و راه‌حل‌های مختلف در صورتی اعتبار دارند که ما خود را الزاما به تسریح در گرداندن قانون اساسی موظف ندانیم. حال اینکه به اعتقاد سجاهدین خلق ایران تصویب یک قانون اساسی حتی در بهترین صورت ممکن نیز علاج قطعی در ده‌های این‌میهن و مافیای انقلاب نیست. چراکه رنج اصلی این‌میهن ستم‌زده در درجه اول به دلیل فقدان مفرات بوده، بلکه با طرزیکه ناعدن امیران استبداد و پانگاه‌های ارتجاعی داخلی آنهاست. یعنی همان کسانی که هیچ قاعده و قانونی را جز جی‌اول و فارگری نمی‌شناسند. علیهذا درد اصلی‌نه درد بی قانونی، بلکه درد قانون شکنی است. و به همین دلیل تاریخ‌سنگ شدن کامل استعمار و طبقات و سباده‌ها و تمایلات امپریالیستی، ما به هیچ‌وجه تدوین قانون اساسی را یک امر مرم و بلا درنگ تلقی نکردیم.

بنامه مورخ ۱۷/ خرداد/ ۵۸ در اینباره چنین می‌گوید: " بنظر ما اگر کسی بگوید تا پایان موفقیت‌آمیز مرحله بعدی انقلاب، یعنی تا حواله آثار ستم‌امیر- بالیستی و وابستگی‌های استعماری و فرهنگ سلطه نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و غیره، نیازی به موسسان و قانون اساسی

جدید نداریم، استدلال درستی است. چرا که اول باید همه پانگاه‌های نفوذ استعمار را در میان مردم از بین برد. و آنگاه فارغ از هر فرد و گروه وابسته به استعمار، و ماری از هر تمایل ارتجاعی به تصمیم‌گیری در مورد سوابق اساسی حاکم بر حیات مردم پرداخت. دلیل این مطلب نیز بسیار روشن است، چراکه استعمار و پانگاه طبقاتی ریشه‌کن نشده‌اش، طبعاً اثر ضد انقلابی و گارتخانه خود را بر هر گروه و مجلس و قانون اساسی که بخواهد در چنین فضای تصویب شود بر جای خواهد گذاشت.

اهمیت این مطلب بعدی است که حتی وقتی خود امپریالیستی‌های مریکایی بخواهند در ایران طرح اصلاحات ارضی را بنظرو احما، فتودالیزم، و میدان دادن به سرمایه‌داری وابسته بخودشان، از طریق مجلس و قانون پیاده کنند، موفق نشدند. به این معنا که انتخابات و مجلس دوره بیستم قانونگذاری در ظرف کمتر از ۹ ماه دو بار با توافق آنها باطل و منحل اعلام گردید. ( یکی در زمان اقبسال شهریور سال ۱۳۰۶ و دیگری در زمان شریف امامی اردیبهشت سال ۱۳۰۵ ) انتخابات انتخابات اقبال و انحلال مجلس شریف امامی صرف نظر از نارضایتی عمومی، تا آنجا که بخود امپریالیسم آمریکا مربوط می‌شد، ناشی از آن بود که نفوذ و تاثیر فتودالیا بر انتخابات و مجلس بعدی بود که بهیچ بردن طرح اصلاحات ارضی را از طریق قانونی و پارلمان معمول نامکن می‌ساخت بنابراین مجلس قانونگذاری ناقص و ناقص کامل فتودالیزم و بعد از بازنده خرداد تعطیل ماندند.

ملاحظه می‌گردد که در صورت امانت تفتنظرهای اصولی فوق الذکر هیچ تردیدی روا نیست.

### چرا در مجلس خبرگان یا بررسی قانون اساسی، شرکت فعال می‌کنیم

لکن با اینکه، به دلیل مجموعه اوضاع و احوال و شرایط کنونی، برای شرکت فعال در مجلس خبرگان یا بررسی قانون اساسی ( که از حداقل خواسته ما نیز بسی پائین‌تر است ) نیز اعلام‌نامه‌ای نهمه‌ومه معرفی‌کننده اقدام کردیم مشروط بر اینکه حقوق زیر از جانب دولت تضمین گردد.

الف - حق نظارت بر نحوه‌های گیری و حفاظت از صندوق‌ها و شمارت‌ها.

ب - حق استفاده متساوی از رأی و یون و تلویزیون برای تبلیغات انتخاباتی کلیه احزاب و گروه‌ها.

دلیل ما برای شرکت در انتخابات مجلس بررسی قانون اساسی و معرفی‌کننده، علیرغم تمام محدودیت‌های موجود و مملکت مستقیم و غیر مستقیم گروه‌های فشار، در این جمله خلاصه می‌شود که: با توجه به تمام اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی حاضر، در مجموع بافتیم، همان‌حد که حتی تاگزیر ندانیم برای گام برداشتن در مسیر وحدت‌ساز، سی‌گروه‌های تفریق‌خواه سلمان، قهرت مشترک از کاندیداهای ما، به‌بیشتر که بعضاً " به دلیل نحوه برخوردشان با قلیبهای مسلط قدرت ) آنچنان هم‌انگس اجتماعی و ایدئولوژیکی با ما نداشته‌و، علیهذا چندان مورد قبول طرفدارانمان نبودند، لیکن ما بدون اینکه قصد معامله یا رای جمع کردن، هر چه بیشتر داشته باشیم پذیرش یک فیرت مشترک را در رابطه با کل منافع انقلاب ایران، در شرایط موجود ضروری‌تر می‌دانیم. زیرا ارزش روشن‌است که با توجه به ضعف کمی و تکنیکالیستی نیروهای آگاه و انقلابی در سطح جامعه، هرگونه تلاش فرعی برای رای جمع کردن نیز نمیتواند تاثیر تعیین‌کننده‌ای در نتیجه آراء بسود ما داشته‌باشد. بویژه که ما هرگز نمیتوانیم در سیر جلب آراء از اصول مکتبی و انقلابی خود مدول کنیم. سیر حال دلایکی که با مجموع شرکت کردن ما در انتخابات مرجع و اجتناب ناپذیر نمود بطور خلاصه‌ایین قرارند:

۱- پاسداری از ارزشهای مکتبی اسلام راستین - برای اینکه درمان‌انبوه آنچه بنام اسلام و قرآن عرضه می‌شود، حق را از باطل و انقلاب را از ضد انقلاب مجزا کنیم. لازم‌است باتوده‌های مردم از یک موضع فعال مواجده شده، و حقایق امور را با آنها در میان بیاوریم. بعمارت دیگر از آنجا که تدوین یک قانون اساسی که مطابق با ایده‌آنها و راه‌حل‌های حقیقت‌اسلامی باشد کار فوق‌العاده عظیم و سرنوشت‌ساز است، و انقلابیون سلمان نمیتوانند در این رابطه بی‌تفاوت باقی بمانند.

بسیک همان ضرورت‌هایی که در طی سالیان دراز بردش آنان سلاج سبک‌داشت اکنون قلم در کفشان می‌گذارد و پانها را به پشت بلندگوها میکشاند. آنها وظیفه دارند تا در قبال قوانین سرنوشت‌ساز و اساسی، ارزشهای مکتبی را در وسیع‌ترین سطح ممکن، به‌ضرورت ارائه‌کنند. برای ما قبل از آنکه مسأله این باشد که این ارزشها بصورت قوانین مدون و مصوب و پذیرفته شده درآید، آشنائی توده‌های مردم با این ارزشها مطرح‌است. بدین ترتیب بجای آنکه به قیام و قمودهای پارلمانی ( یک بگ چند ارزش و قانونی رامیدانند ) و یک چند نیز خلاصه‌آنها تصویب می‌کند ) چشم دوخته باشیم به ارتقا و جحان و آگاهی توده‌های نسبت به ارزشهای ستمگرای بخش اسلامی نظر داریم. همان ارتقا سطح شعور و بینش اجتماعی - مکتبی که در مسیر افزایش خودسرنجام آن شرایط ذهنی را که لازمه یک انقلاب پیروزمند حقیقتاً " اسلامی است، تدارک خواهد دید.

انقلابی که موانع راه‌مکمل اجتماعی و فردی نوع انسان را یکی پس از دیگری تا بوزول به قله رفاهی و یگانگی از میان بر خواهد داشت.

ملاحظه می‌شود که انقلابیون سلمان نمیتوانند چنین فرصت‌هایی را هر چند ناچیز و مختصر از دست بدهند، بنابراین بگذار تا توده‌های مردم بویژه طبقات محروم و تشرهای جوان‌سالانده با حقیقت اسلام هر چه بیشتر آشنا شوند. و مدعیان کاذب و ریاکار را از رهروان راستین پیش از پیش بازشناسند.

وقتی ما بلگرام پیروز رساندیم مبارزه عادلانه ایدئولوژیک مطش هستیم، وقتی میدانیم که همه انواع اسلامیات ( شرکت آمیز و طبقاتی و آمیخته به جعل تصدیق سرنجام مطلوب اسلام واقعی، ابراهیمی، محمدی، علوی، حسینوی، ... می‌شوند ) پس دیگر از ورود به این مبارزه جدیگ بی‌جهت نیست که اشتراک‌ایان و مرجعین توجیح میدهند که عنصر موحد مجاهددم فروبندند و صحنه را به تمام و کمال برایشان عالی‌گذارند.

اینجاست که برای ورود هر چه فعالیت به صحنه ما ناگزیر می‌شویم که برای غننی نمودن توطئه‌های ارتجاعی، گنگ تلاش دارد مارا به انزوا بکشاند، در صحنه سیاسی دست به پیوند ها و اختلافاتسی بزنم که چسما در مواردی و از جهاتی کمال مطلوب نباشد اما بطور نسبی بی‌توانند تهدید اصلی ( خطر راست ) را خنثی و با کاهش دهند.

۲- پاسداری از دستاوردهای انقلاب - بی‌وسیج توده‌ای - در حالیکه فرم‌سرم و سازشکاری با مضامین ارتجاعی همان تلاش دارند که انقلاب و دستاوردهای انقلاب بی‌رایی اثر ساخته، و انقلابیون را بترک صحنه و ادارکنند، در صحنه سیاسی نیز ما مجاز نبوده و نمیتوانیم که میدان نبرد را عالی‌گذاریم. اگر چه بهیچ‌وجه میدانیم که در یک مبارزه و سابقه ناآرامی سیاسی ایدئولوژیک وارد شده‌ام که شرایط و وقایع نین ان را مانعین تمکیم، اما همین امکانات و فرصت‌های فوق‌العاده‌ناچیزی نیز که میتواند در اختیار ما قرار گیرد بازهم در درازمدت آنچنان تاثیراتی دارند که نمیتوان از آن‌ها صرف نظر نمود.

۳- پاسداری از آزادی - اعتقاد به اصالت آزادی انقلابی، در روند تکامل فرد و اجتماع ایجاد میکند که برای احراز آن هر فرصت و امکانی را، مستقیم بشماریم، و به اکتساب آن به هر صورت اقدام کنیم. ما اعتقاد داریم که بدون آزادی و احترام به اختیار و حریت بشری هیچ فضای برای تداوم انقلاب و تکامل فرد و اجتماع باقی نماند، بنابراین انقلابیون سلمان نمیتوانند در این رابطه هیچ فرصتی را نادیده بگیرند. اگر چه این فرصت‌ها با دیوارهای بلند انحصار- مطلق سخت محدود شده‌باشد. بویژه که میدانیم چنین دیوارهای میسگاه بدون تکلف و فراع از تناقض و تضاد نیست.

۴- پاسداری از جنبه‌های وحدت ضد امپریالیستی یا دولت حاضر - آرانجا که تفاوت دولت حاضر با نظام گذشته سازی به تشریح ندارد، ما خود را موظف میدانیم تا وقتی که امکان تاثیرگذاری دموکراتیک و انقلابی بر وضعیت موجود ما مایل نشده، بر جنبه‌های وحدت ضد امپریالیستی خود هر چه بیشتر تاکید نموده و در این رابطه تا آنجا که امکان داشته‌باشد موضع فعال و مثبت بگیریم. اگر چه بی‌دانشیم که این فعالیت لاقیل در مقطع حاضر نتایج چندان چشمگیری نخواهد داشت.

۵- پاسداری از وحدت نیروهای ترقی‌خواه سلمان - ضرورت حرکت هر چه بیشتر بجانب قوام وحدت ضد - استعماری تمام نیروهای خلق بطور اخص و نیروهای ترقی‌خواه سلمان بطور اخص نیز شرکت فعال ما را در انتخابات اقتضا میکند. توضیح اینکه استنادگی و مقاومت در برابر اردوی راست که می‌رود تا به تنها خود بلکه اسلام و انقلاب و رهبری را نیز مغدوش و بی اعتبار سازد، در قدم اول تنها و تنها با هم‌انگی و مملکت متحدان انقلابی و رادیکال و ترقی‌خواه مسلمانان امکان پذیر است. و اینهم چیزی است که در چهارچوب‌هایی نظیر همین مسأله انتخابات میراست. یعنی بر سر مسأله‌ای که هر نیرویی تاگزیر به موضعگیری است. که ضرورت موضعگیری، ضرورت ایجاد و یا نفی یک سری رابطه‌ها را ( در جهت وحدت با نیروهای نظیر و در جهت بریدن دور شدن از نیروهای ماهیتاً " متخالف ) پیش روی می‌گذارد.

اکنون با توجه به موارد فوق میتوان نتیجه گرفت که دیگر عدم شرکت در انتخابات بهیچ‌وجه قابل قبول نیست، و به بیان دیگر وفاداری به وظایف و رسالت‌های برای و انقلابی شرکت هر چه فعالیت‌ساز را اقتضا میکند. بخصوص که معتقدیم شرکت فعال نیروهای انقلابی صرف نظر از اینکه آنها را از خطر سکتاریسم و پرت- افتادن از توده‌های مردم دور خواهد ساخت،

مجاهدین خلق ایران ساعت، جریان افشا- ماهیت ریاکارانه و استعمارطلبانه مدعیان کاذب اسلام و مردم را نیز تسریع خواهد نمود. معاصبا که متأسفانه در زیر لوای انقلاب اسلامی و رهبری انقلاب از هیچ فرصت طلبی و فتریت ابائی ندارند و امام سز باره‌سا ناراضی‌هایی خود را از این موضوع ابراز کرده‌اند.

گذشته از اینها، خلق ما با ورود در یک تجربه انتخاباتی میتواند درصدد اصلاح آزادی‌ها را حکم زده، و از این میان متعاقب‌ترین راه‌ها را برای استمرار انقلاب خود برگزیند.

مجاهدین خلق ایران  
۳۱ / تیرماه / ۵۸

### فهرست نامزدهای مشترک

مجلس بررسی قانون اساسی در برخی استانهای کشور:

- جنش - جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران ( جاما ) - سازمان اسلامی شورا ( شائرا ) - سازمان مجاهدین خلق ایران
- آذربایجان شرقی:
  - ۱- آقای احمد حبیف نژاد
  - ۲- آقای حسین خسرو شاهی
  - ۳- آقای حاج موسی شیخ زادگان
- خراسان:
  - ۱- آقای طاهر احمد راده
  - ۲- آقای منصور بازرگان
  - ۳- آقای دکتر محمود - دل آسائی
  - ۴- آقای دکتر سروس سها - یقیه در فمحه\* ۸

# قانون اساسی و حیاتی ترین مسائل جامعه

## قوانین اساسی بر کل روابط و مناسبات بین مردم حاکم است

### قانون اساسی بر پایه دیدگاه ایدئولوژیک و نظرگاه اسلامی تدوین می شود، اهمیت آن دوچندان می گردد.

نظری گذاریم به تناسی سیستم های اجتماعی. به خوبی نشان میدهد که هر سیستم اجتماعی (با هر مفروضه - و محتوای اقتصادی - اجتماعی) برای تثبیت حاکمیت خودش، و برای اجرای برنامه ها و اهداف مورد نظرش، ناگزیر از تنظیم و تدوین قانون اساسی است.

زمانیکه انقلابی واقعا به پیروزی میرسد، نظامی کهنه در هم می ریزد، و نظامی نوین میخوابد یا بگریزند آن شود؛ این پایه گذار و بنیاد ریزی نظام جدید از طریق تصویب مجموعه ای از اصول و قوانین تعیین کننده صورت می پذیرد. که بر کل روابط و مناسبات (اعم از حقوقی، سیاسی و...) بین مردم حاکم است. به همین دلیل "قانون اساسی" نام دارد. بنابراین این قانون اساسی پشت و چپا و جوب حقوقی و قانونی حاکمیت یک سیستم اجتماعی را تشکیل میدهد. و این سیستم بدینوسیله بخود مشروعیت بخشیده و مملکتهای خود را از اعتباری قانونی برخوردار میکند.

## اهمیت قانون اساسی

قانون اساسی مشتمل بر یک سری قوانین و احکام اساسی و بنیادی است، که کلی ترین قوانین و روابط یک سیستم اجتماعی مشخص (مثلا سرمایه داری) را متعین می سازد. به عبارت دیگر سرانجام تمامی قوانین و روابط حقوقی، سیاسی، فرهنگی، آموزشی، و... جمهوری را تحت تأثیر و تأثر اساسی ناشی می شوند. بنا بر طبیعت قانون اساسی حیاتی ترین سند سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... موجود در یک کشور است که همه مسائل و مشکلات دیگر را بر اجراع به آن حل می شوند.

قوانین اساسی به هیچ وجه در زمره قوانین ماری نیستند بلکه منبع استخراج روح - حاکم بر قوانین عادی میباشد به عبارت دیگر برای قوانین معمولی نقش "مادر" و ابزاری می کنند. چرا که قوانین معمولی از قانون اساسی زایش میخورد و آن سرچشمه میگردد. به همین دلیل در حالی که در قوانین معمولی از "ماده" ۱۰۱ تا ۱۰۰۰ صحبت می شود، در قانون اساسی به

جای ماده با "اصل" مواجیم مانند "اصل" ۱۰۱ و ۱۰۰۰ این سبزه روشن است که تمام مفویات قانونی بعدی تا آنجا قانونگزاری دارد، که مخالف اصول قانون اساسی نباشد، و الا خود بخود منتفی است.

پس مبالغه نیست اگر گفته شود که قانون اساسی بنحوی ارائه، با سر نوشت و آینده تمامی افراد یک جامعه شمش (نه تنها نسل حاضر، بلکه نسلهای بعدی) در ارتباط است. زیرا از طریق قوانینی که قدرت حاکم بر اساس آن تنظیم میشود، تمامی افراد و احادی یک جامعه در قید و بند قوانین و روابط عامی قرار می گیرند. و از امکانات حقوقی ویژه ای برخوردار میشوند.

در اهمیت قانون اساسی همین بس، که مهمترین مسائل حیاتی یک مملکت نظیر حقوق ملت، اختیارات دولت، قوه قضائیه، رابطه ملت و دولت، نحوه انتخابات و قانونگزاری و... تماما "به وسیله آن تعیین میشود. بدلیل همین اهمیت است که مجالس قانونگزاری معمولی (غیر از مجلس مؤسسان) از تغییر دادن و نسخ یا فسخ حتی یکی از اصول قانون اساسی نیز عاجز بوده، و برای تغییر آن مجدداً بایتی به یک مجلس مؤسسان جدید رجوع کنند.

## تدوین قانون اساسی بر پایه یک ایدئولوژی

مشکل تدوین قانون اساسی زمانی اهمیت بیشتری پیدا میکند، و ضرورت برخوردار با آن جدی تر میشود، که ما بخواهیم قانون اساسی را در رابطه با یک دیدگاه ایدئولوژیک و نظرگاه فلسفی مشخص اسلامی بدون تناقض، ایجاد دیگر گذشته ارتدوین قانون اساسی با تمام ویژگیها و مسائلی که بدان اشاره شد، (بطور عمده ارتباط آن با سر نوشت و آینده تمامی افراد جامعه) در حقیقت یک ایدئولوژی و مکتب است که به حاکم آن را پیش گذاشته میشود، تا در جریان عمل و در برخورد با مسائل و مشکلات پیچیده اجتماعی امتحان خود را پس دهد. زیرا سرانجام معیار امانت یک ایدئولوژی و درست

و غلط بودن (واقعی یا غیر واقعی بودن) تئوریهات فلسفی آن، عملکردهای اجتماعی اش می باشد. تدوین قانون اساسی در شرایط اجتماعی خاص در میهن ما، از جنبه ویژگی برخوردار است. زیرا اکثریت کسانی که میخواهند دست به تدوین قانون اساسی بزنند، مدافع اسلام تلقی شده، و می گویند که بر اساس اصول و موارد اسلامی چنین کاری را انجام خواهند داد.

## اسلام با چه راهی نو

اسلام دین خدای تعالی است. در سبزه رازات اخیر مردم، که منزه به سرنگونی رژیم فداغلی شاه شد، نقش مؤثری ایفا کرد. این تأثیر گذاری با اندازه ای بود که باعث شد که اسلام با چه راهی نو و متفاوت با گذشته، در صحنه اجتماعی ظاهر شود. (حتی در سطح بین المللی) در میان قشر جوان و روشنفکران جامعه ای نور تازه ایجاد کرد. بسیاری که به ملت مملکتهای مذهبی موجود در جامعه نسبت به مذنب و اسلام بدبین شده بودند، گرایش نسبت به این ایدئولوژی پیدا کردند. زیرا بعد از ظهور سازمان مجاهدین خلق در پیله مبارزات - اجتماعی خلق ما، آن هم با تکیه بر ایدئولوژی اصیل و واقعی اسلام، (که تصویر انقلابی اسلام را عرضه میکرد) این در حقیقت ظهوری بود تازه و مجدد در صحنه مبارزات اجتماعی (۱)

پس در شرایط حاضر از اسلام سخن گفتن و تحت نام آن به تدوین قانون اساسی نشستن، گذشته از مسئولیتی که خود تدوین قانون بمعهده مساکذارده با این مسئولیت را چند برابر می کند. درست است که هرگونه عملکرد اجتماعی و نادرست زیر لوای اسلام، نمی تواند به اسالت این ایدئولوژی هدیه ای وارد کنند، ولی در شرایط حاضر که غمناک و زنجیرها (چه در داخل و چه در خارج) چشم به این تجربه تازه دوخته اند، اگر قوانینی که تدوین میشود، نتواند مسائل و مشکلات اجتماعی حال و آینده را بطور انقلابی و اساسی حل و فصل نماید، نتیجه اش چیزی جز ضربه ای مجدد به پیکر این ایدئولوژی و تأثیرات بر نظرات کسانی که این ایدئولوژی را در ردیف سایر ایدئولوژی های میراثی طبقاتی قرار می دهند، نخواهد بود. چون برای کسانی که به اسلام اصیل و واقعی

آشنایی کامل ندارند، عملکرد کسانی که ادعای اسلام داشته و از قدرت سیاسی برای پیاده کردن نظراتشان برخوردارند، سبزه حال مملکت و معیار قضاوت قرار خواهد گرفت.

## تفاوت گذشته و حال

در گذشته به ملت حاکمیت رژیم دیکتاتور و خودکامه، طبعاً امکان پیاده شدن اسلام اصیل و واقعی، به حدی فراهم نبود. در نتیجه عملکردهای ارتجاعی و نادرست تحت پوشش اسلام، ضربه ای سنگین بر پیکر این ایدئولوژی وارد نمی کرد، و تا حدودی قابل توجیه بود. ولی در شرایط حاضر که دیکتاتوری ماقط شده است، اگر قوانین تدوین شده مطابق با روح و جوهر اسلام اصیل و واقعی نباشد، طبعاً آثار زیانبار و مصلک خود را خواهد گذاشت. لذا هیچ زمینه ای برای توجیه چنین عملکردهایی در پیله غدا و خلق وجود نخواهد داشت.

در هر صورت توده های مردم حمایت بیدریغ خود را نشان کسانی می کنند که می خواهند حکومت عدل اسلامی را در عمل پیاده کنند. اما این حمایت پایه دلیل اعتمادی است که به آیه الله خمینی داشته و پایه دلیل انظار است که از حکومت عدل اسلامی دارند، و اثر و در رابطه با الگوهای چنین حکومتی نظیر حکومت پیاپی، حضرت علی (ع) و... می بینند. ولی اگر از این اعتماد و حمایت در جهت بر آورد کردن خواست ها و نظرات مردم پیاده کردن اسلام اصیل و واقعی استفاده نشود، این حمایت سرانجام به خودخودش تبدیل خواهد شد.

اگر جمهوری اسلامی که رای قاطع و اکثریت مردم به آن داده شده، در عمل به حاکمیت طبقه ای بر سر ابقا و روطقات اجتماعی تبدیل شود، و اگر اسلام و سابقه درخشانش عامل توجیه و مشروعیت نمایند و خلقان و طبعا "استثنای روبرو" کسی قرار گیرد، دیگر چگونه می توان انتظار داشت که بار این مردم (حداقل در کوتاه مدت) آنچنان که باید به اسلام اعتماد کنند.

## مسئولیت و انتظارها:

بنا بر درک همین مسئولیت تاریخی عظیم است که مجاهدین خلق ایران برعهده خود میدانند که در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی که سنگ ستاد ایدئولوژیک و تاریخی است نقش فعالی بمعهده بگیرند. برای ما مسأله این نیست که همین امروز نقطه نظرهایمان بصورت مصوبات قانونی وارد متن قانون شود. چرا که به خوبی میدانیم که تا چنان که قاضی

که اسلام واقعی و راستین قابل تصویب و تأیید باشد، هنوز قاطع زبانی باقی مانده است. به همین دلیل ما از حرکت فعال خود، مطلقاً چیزی پیشتر - با زکوفی موضع گیریهای انقلابی اسلام، و بر اساسی ترین مسائل حیات و معاش مردم، انظار را نمی سزیم. بگذار آنها که میخواهند بخت کنند، و بهمنظر از همه گوش شنوای تاریخ آنچه باید بنشین کنند، باشد که اگر چه در فعل و انفعالات سیاسی و اجتماعی امروز این میهن تأثیر خمینی کننده ای نداشته باشد، ولی سیر فردا را روشن سازد.

(۱) : آنهم با توجه به اینکه بعد از ضربه خیانت بار اپورتو - نیشکاری چه نما، بسیاری از روشنفکران اعتماد خود را نسبت باین ایدئولوژی و عمل کرد انقلابی آن از دست داده بودند.

## آیت اله طالقانی در مراسم

## تقدم منافع جنبش بر منافع گروهی

من فقط یک توصیه بشما دارم و آن اینکه بشاید، حول این شعار، بنفای استعمار و عوامل استعمار، بنفای استبداد و سبزه و نفی استعمار... رهبران مذهبی جوانان میهنی جوانان میهنی را به حرکت دعوت است. خودخواهیها، خودبینیها، جمعیت پرستیها، گروه پرستیها، مصادق همین آیه است: "تلقطوا ازمهم بینهم زیرا" یک حزب بعالندیم فرعون، فذره فی غمرتهم حتی همین (سوره مؤمنون آیه ۵۲) بگذار و فرودگذاشت خود را به پیچیده بکوفت متوجه میشوند که همه چیز را از دست داده اند... کاری کنیم که در این مقطع تاریخ تکوین فلان حزب غیانت کرد و حرکت را متوقف نشود، انقلاب با منحرف کرد. فلان جمعیت چنان که مبرما در مقابل عمرتا ریخ، چیزی نیست با بدعده را در نظر داشته باشیم، و چنان عمومی و نسل آینده را در نظر داشته باشیم، آنها همان طوری که ما گذشتگان و زندگی آنها را تجربه و تحلیل میکنیم، اعمال ما را تجربه و تحلیل خواهند کرد. کار میکنیم که مورد نفرین آنها واقع شویم. درود من و درود همه ما بر شهیدای ۳۰ تیر... \*\*\*\*\*

# اصول کلی یا جوهر و روح حاکم بر قوانین چیست و شناخت آن چه اهمیتی دارد

## بدون شناخت جوهر و محتوای یک سیستم قانونی نمی توان

### مسائل جزئی و فرعی را بررسی کرد.

### اسلام تکیه گاه اجتماعی خود را در هر شرایط تاریخی

### مستضعفین می شناسد.

### ایدئولوژی برتر و بالاتر از همه چیز.

گفتم که قانون اساسی هم یک سیستم اجتماعی مشروعیت بخشیده و بآن امکان میدهد که ملکه دهای مختلف خود را ام از اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... در رابطه با آن تحلیل و توجیه کند و گاه بدون کمترین واکنش اجتماعی (حد اقل در کونکوماته)، برنامه های مورد نظرش را به مرحله اجرا درآورد.

حال میخواهم به بررسی قانون اساسی پرداخته، و به نقد یا تدوین آن بپردازم. اما سوالاتی که مبدع آن طرح است اینست که: از کجا بایستی شروع کرد؟ معیار این بررسی چیست؟ چه موقع میتوانیم ادعا کنیم که یک قانون اساسی مدعی تنظیم کرده ایم؟ و بایستی از آن قانونی بر اساس اصول و موازین اسلام اصیل و واقعی ارائه کردیم؟

## ۱- روش بررسی نظام اجتماعی

برای پاسخ به سوالات فوق از یک ساله برای شروع میکنم. زمانیکه با یک پدیده مشخص برخورد داریم، و میخواهیم از آن کم و کیف آن اطلاع پیدا کنیم، بایستی قانون مندیهای حاکم بر آن پدیده را بشناسیم، که در حقیقت بیان روابط ماهوی پدیده است. در غیر این صورت قادر نخواهیم بود علیرغم شناخت های جزئی و پراکنده ضروری درست و همه جانبه از آن پدیده ارائه دهیم.

حال اگر بجای یک پدیده مشخص با مجموعه ای از پدیده ها مواجه باشیم، که در رابطه با هم یک سیستم را تشکیل میدهند، دیگر نمیتوان سادگی تک تک اجزاء تشکیل دهنده سیستم را بطور مجرد و جدای از یکدیگر مورد بررسی قرارداد و بخواهیم از این طریق به شناختی کامل و همه جانبه از این امر ابراز کنیم. شناخت دقیق و کامل اجزای این سیستم، یعنی نتواند خارج از شناخت اصول کلی حاکم بر آن (روح و جوهر آن) صورت پذیرد. یعنی همان طوری که در بررسی و شناخت همه جانبه یک پدیده، لزوماً بایستی قوا، این حاکم بر آن را کشف کرد و شناخت در بر خورد این سیستم نیز قبل از ورود به بحث، به بررسی اجزای جزئی و پراکنده، بایستی اصول اساسی و کلی حاکم بر آن را بشناسیم. بدین ترتیب است که شناخت های جزئی و پراکنده، میتواند در رابطه با یکدیگر قرار گرفته و، در کادر کلی سیستم تجزیه و تحلیل شود. برای روشن شدن مطلب چند مثال موزوم:

هندسه اقلیدسی را در نظر میگیریم؛ در اینجا با یک دستگاه یا سیستم هندسی مواجهیم، که دربرگیرنده، انبوهی از قضا با احکام هندسی است. تنها زمانی قادر خواهیم بود، برای تک تک این قضا با توجیه مناسبی بپردازیم، که اصل اساسی این سیستم را شناخته باشیم (۱). در

امری طبیعی و ذاتی انسان تلقی شده، و لذا محترم شمرده میشود. در چنین دستگاه حقوقی هیچکس حق تجاوز بحرم مالکیت دیگری را ندارد. بدون اینکه حدود سبزه امی ساله در نظر گرفته شده باشد، و مشخص کرده که مالکیت تا کجا امتداد داشته و از حقانیت برخوردار است، و در چه شرایطی لزوماً بایستی الفا شود.

در چنین قوانین حقوقی طبعاً حقوق اجتماعی تحت الشعاع حقوق فردی قرار خواهد گرفت. با اعمال دادن به حقوق فردی مناسبات اشتراک گرانگه اجتماعی توجیه و تفسیر میشود. طبیعی است که هر چه سیستم مورد نظر پیچیده تر باشد، طبعاً درک جوهر یا روح حاکم بر سیستم، و شناخت اصول و قوانین اساسی آن ضرورت بیشتری پیدا میکند. یک دستگاه نظری (مثلاً) یک مکتب یا سیستم فلسفی را در نظر میگیریم در این جا با نقطه نظرها و تحلیل و تفسیر های مختلفی مواجه هستیم. مسائل گوناگونی طرح شده و پاسخ های مختلفی به مسائل مبتلا به انسان داده شده است. برای فهم و درک مسائل مختلفی که در چنین سیستمی مطرح است، بایستی قبل از پرداختن به مسائل فرعی و جزئی، سراغ اصول کلی و اساسی آن برویم. یعنی نتوانیم قدم قدمتا روح و جوهر حاکم بر این سیستم را مشخص نکنیم. زیرا همان طور که در توضیح داده شد، نمیتوانیم بدون شناخت اصل یا اصول اساسی، مسائل جزئی و فرعی را تجزیه و تحلیل نموده، و صحت و سقم آنها را تشخیص نمانیم.

در اینجا تمامی سیستم نظری (ایدئولوژیک)، در نهایت بزرگ اصل اساسی است. یعنی در حقیقت بر اساس تئیمتی که از وجود و هستی عمل میآورد، متکی میباشد.

## ۳- معیار اسلامی بودن یک سیستم یا قانون اساسی

از نظر اجتماعی میدانیم که روح کلی حاکم بر اسلام چنین است: "مخالف با استعمار، و خواستار نفعی تاریخی آن است، و همچنین تکیه گاه اجتماعی خود را در هر شرایط تاریخی مستضعفین قرار داده است و میدانیم که اسلام صحت از حاکمیت نهایی و تاریخی مستضعفین و صالحین در روزی میبندد: **إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُعْطِيهَا لِمَن يَشَاءُ** و با وجود اینکه دیگر سادگی دیدگاهی که بخواهد اسلام را بطور تاریخی مدافع استعمار (ولو در ابعاد کوچک)، و سزا پردازد از اصل مالکیت مستضعفین، سزا تولید بداند، غیر اسلامی و غیر توحیدی خواهد بود. و با در نظر دیگر، شناخت موضع واقعی زن در اسلام مستحقاً "در برتو درک و شناخت جوهر و روح قانون اساسی، (که تمامی قوانین اجتماعی در آن منتشر شده اند)، و بایستی از دیدگاه واقعی اسلام (جوهر و روح آن یا اصول اساسی حاکم بر آن) میتوانیم به نقد و بررسی قانون اساسی پرداخته و در مورد آن اظهار نظر کنیم. در غیر این صورت طبیعی است که در محم معای از قوانین و تدبیرها و نتایج حاصل

کم خواهیم شد. و با توجه به تخصصی بودن معنی از جنبه های مساله (جنبه های حقوقی آن) راه بجای نمیریم. روشن است که قوانین اساسی که در کشورهای غربی تنظیم شده، در نهایت در خدمت منافع سیستم سرمایه داری است. نامعنوتانیم بدون توجه به ماهیت این سیستم ها، و جوهر و روح حاکم بر این قوانین اساسی، به الگو برداری از آنها پرداخته، و با حک و اصلاحاتی بخواهیم یک قانون اساسی برای شرایط حاضر مینشان ارائه دهیم.

## ۴- پیش نویس قانون اساسی در ذره بین اسلام اصیل

موتی، که از جوهر و روح حاکم بر اسلام، در رابطه با تدوین قانون اساسی صحبت میکنم، منظور صحت و سقم است که این ایدئولوژی برای انسان تدبیر کرده، جامعهای است که میخواهد ایجاد کند، و مناسباتی است که خواستار آن میباشد. بطور مثال ما خواهان نفعی استعمار از نظر اجتماعی هستیم. میخواهیم مناسباتی عادلانه برقرار کنیم. در این صورت بایستی قدمتا "مفاهیمی از قبیل استعمار، زمینه های مبنی اجتماعی آن، شیوه های مبارزه با آن، روش نمانیم تا بتوانیم بر اساس اینها، قوانینی و ضوابطی را تدوین نمانیم، که در جریان عمل نتواند هدف مورد نظر ما را (مناسبات عادلانه اجتماعی) جامه عمل بپوشاند. با "مثلاً" خواهان برقراری دموکراسی واقعی هستیم. و بخواهیم در جامعه مناسباتی برابر با این دموکراسی ایجاد کنیم. البته توجه داریم که بین دموکراسی واقعی و نفعی-انتزاعی از بین رفتن مناسبات بهره کشانه ارتباطی عمیق و ارگانیک برقرار است. در این صورت بایستی قبل از اینکه بطور یکجانبه آنها بصورت شعاری بر این مساله تکیه کنیم، به تریسرف دموکراسی، زمینه های مبنی و واقعی آن (زمینه های اقتصادی-اجتماعی)، نحوه تحقق آن و نهاد های مختلف (اجتماعی، اقتصادی، سیاسی) که میتواند به این تحقق کمک کنند، بپردازیم. در چنین صورتی است که متوجه می شویم صحبت از دموکراسی کردن بدون پرداختن به یک مبارزه ضد امپریالیستی صرفاً جنبه شعاری دارد. و با صحبت از نفعی استعمار بدون دفاع از منافع طبقات مستضعف (در این مرحله تاریخی کارگران و دهقانان) و یا بدون مبارزه با طبقات استعمارگر، صرفاً جنبه شعاری داشته، و عملاً امکان پذیر نخواهد بود.

در این رابطه بود که در جریان فرماندوم، سازمان مجاهدین خلق ایران اعلام کرد، که اگر چه جمهوری اسلامی حکومت ایده آل و مورد نظر سازمان است، و تلاش و مبارزه بگیم سازمان بدر نهایت در جهت تحقق چنین حکومتی میباشد. ولی بایستی برای تمام کسانی که بدین حکومتی رای میدهند ما امر شعاری آن اعلامی ندارند. ابتدا بطور کامل، صریح و روشن خطوط کلی و مرحله های جنبه حکومتی را روشن نمود، و سپس آن را در معرض نظر خواهی و رای گیری قرارداد.

در شرایط حاضر نیز چنین است، شاید خیلی از مردم باشند که اصلاً "با این مسائل انشائی نداشته باشند، و با توجه به جنبه های تخصصی مساله بخود نرسد اجازه ندهند که در این قلمرو وارد شده، و در مورد مساله اظهار نظر کنند. ولی این

برهمه عناصر مسئول و آگاه است که آنها را در جریان امر قرارداد، و مساله را بطور کامل برایشان روشن کند. ثالثاً بداند که مقصود و محتوای قانون اساسی، که تحت عنوان اسلام به آنان عرضه می شود، چیست؟ و اگر به قانونی رای میدهند یا سوابقی را می پذیرند آگاهانه و ارادانه باشد.

## ۵- ایدئولوژی برتر و بالاتر از همه چیز.

اگر واقعا مستقیم کایدئولوژی اسلام برتر و بالاتر از تمام ایدئولوژی ها است؟ اگر این ایدئولوژی است که سر انجام با شکوری تمامی مسائل و مشکلات فردی و اجتماعی میباشد؟ این دیگر ترس ما را چیست؟ چه عاملی باعث میشود که سالها را بطور کامل و بصورتی صریح و روشن در معرفی آن را و افکار عمومی قرار ندهیم؟ زمانی که مردم احساس میکنند که حکومتی که تحت پوشش اسلام، و جمهوری اسلامی فعالیت میکند، از اظهار نظر در مورد اساسی ترین قوانینی که باین روش تدوین شده، در ارتباطات، اگر چه دارد، و بایستی آنها را بصورت کلی و مبهم بزرگاری میکند. چگونه میتوانیم به عنوان حال حاضر آید آن اعتماد داشته باشیم. درست است که مردم ما شاید از نزدیک در جریان حکومت علی (ع) و پیامبر (ص) نبوده باشند ولی هر کدام به فراخور حال گوشه هاشی از آن میدانند، و شاید این عبارات و مفاهیم مناسبتی باشد برای قضاوت آنها. لذا است که ما سازمان مجاهدین خلق ایران وظیفه خود میدانیم که در این مرحله و مقطع سرنوشت ساز از تاریخ میهنمان، که از ویژگی خاصی نیز برخوردار است (یعنی قدرت سیاسی حاکم می خواهد ایدئولوژی اسلام را در عمل پیاده کند)، بر این روشی شدن اذهان افراد و عناصر مسئول، تجربه زمانی-تشریحی خود را در جهت شناخت اصول اساسی و کلی (روح و جوهر) اسلام اصیل و واقعی در اختیار عموم قرار دهد.

این جا دیگر نقطه ای است که نمی شود از گفتن اصول صرف نظر کرد، و با تکیه بر مصالح سیاسی روز از کنار مساله سادگی گذشت. سابقه مبارزاتی سازمان نیز بخواهی مود این سالهاست، که چگونه بیچگاه بر اساس اصولی که به خاطر تحقق آنها به پیکار برخاسته تن بازش نداده است. زیرا همان طوری که در جزوه آموزشی "پراکتیک" آمده، برای یک جریان مکتبی و دارای اصول، زمانی که صحبت از مبارزه، وحدت، مصالح سیاسی و... میکند، تمامی این ها سر انجام تحت الشعاع اصولی است که این جریان بخاطر تحقق آنها قیام کرده است (ایدئولوژی برتر و بالاتر از همه چیز).

۱- هندسه اقلیدسی بر این اصل بدین استوار است: **از یک نقطه خارج یک خط (در داخل یک صفحه) یک خط بیشتر نمیتوان به موازات آن رسم کرد.**  
۲- همان طوری که میدانیم دموکراسی در سیستم های بورژوازی دقیقاً "بایستی" های اقتصادی-اجتماعی این سیستم ها در رابطه است، و بخورد عمده حاصل دوران سرمایه داری (رابطی) است.  
این سری مقالات در شماره های بعد ادامه می یابند

برادر مسعود رجوی ..

زی سازمان درآمد. در این دوره وی در تدوین کتب ایدئولوژیک سازمان و تأسیس فرآیند و تنظیم اطلاعات که بعداً منتشر گردید، شرکت داشت. در سال ۴۷ در گروه ۱۶ نفره ای نیز که برای استخراج و تدوین استراتژی انتخاب شده بودند به فعالیت پرداخت.

سال ۴۹ همراه اولین سری برادر - آن منجمله برادر شهید امیردین زاهدان جهت مذاکرات و آموزش نظامی به فلسطین رفت. او در حبس و شکنجه های بسیار ارادین در عمان بود.

پس از بازگشت از فلسطین در گروه سیاسی، تعلیمات و مرکزیت سازمان متحول گردید و همراه برادران بنیانگذار سازمان و دیگر برادرانی که همگی شهید شدند نقش خود را در رهبری مجاهدین خلق به عهده گرفت.

دستگیری

همراه با اولین موج وسیع دستگیری شهریور سال ۵۵ مسعود نیز دستگیر شد و سپس همراه اولین سری مجاهدین خلق در بیدادگاه شاهان با اعدام محوم گشت دفاعیه او در بیدادگاه، بعدها به خارج از زندان راه یافت و در زمان رهبری برادر رضایی همراه با برخی دیگر از دفاعیات توسط سازمان منتشر گشت. این دفاعیه بعدها که در داخل و چهره در خارج کشور بارها تجدید چاپ گردید. جملاتی از این دفاعیه او را در اینجا میآوریم:

" رژیم چاره ای جز شدت عمل ندارد. و این نشان احتشاح اوست. انسان بدون گرفتاری تصفیه نمیشود. این فلسفه هستی است. اشدب یا فردا شب آخرین شب است. از ریختن خون بکفر سدها نگر مثل او بر میسر نماند. روزی که ملت عاقلان را به دادگاه بکشاند. مرگ بر امریکا و امریالیزم درود بر مردانی که رنج انقلاب را تحمل کردند."

مسعود گرچه به اعدام محکوم گشت ولی بعداً " رژیم شاه به علت فشارهای متعددی که یک نومنار سفر آقای گروه نماینده مجلس سوسس همراه ۱۴ حقوق فدای دیگر بهایران بود از اجرای حکم اعدام خودداری کرد. در آن زمان متداول این بود که افرادی را که در مجازات نشان تخفیف قائل میشدند در مطبوعات این تخفیف را تحت عنوان ندامت نوشتن نامه عفو اعلام میکردند. نمونه های زیادی از این گونه اتهام هادر مطبوعات آنروزها به چشم میخورد. مثلا " وقتی محکومیت مجاهد شهید مطهری خوشدل از اعدام به اید تبدیل گشت علت آنرا اظهار ندامت نوشتند. ولی از آنجا که مسعود دادگشای ملتی بود دفاعیه اش نیز موجود بود و زدن این مارکاکشان نداشت در روزنامهها بهانه لغو اعدام او را همکاری با رژیم اعلام کردند!

مسعود تمام مدتی که در زندان بود فعالیتهايش تعدیدا تحت کنترل پلیس قرار داشت. بارها برای ردیابی فعالیتهاش او را به کتبه برده و شکنجه دادند. سالهای ۵۳ و ۵۴ مرتباً " زیر بازجویی قرار داشت. از او اطلاعات مربوط به روابطش با بیرون و فعالیتهايش در زندان را میخواستند. نقش محوری او در

فعالیتهای زندان نام از برنامهریزی های مقاومت در برابر پلیس و همچنین تعلیم و تربیت کادرهای مجاهدین از آنچنان اهمیت برخوردار بود که رژیم لحظه ای از وی غافل نمیشد.

شکستهای که در این مرحله متحمل گشت، توان فیزیکی او را با هم فرسایند نمود. بارها تنها باین علت که دیگر احتمال شهادت داشت، دست از تکلیفهاش برداشتند ولی او هر دفته فویتر از دفعه قبل از آزمایش مسئولیت پذیری در برابر خدا و خلق سر بلند بیرون میآمد. او هنوز آثار شکنجه های درخیمان ساواک را به صورت موارض شدید جسی پدید میآورد. در این دوران و بخصوص پس از فرجه خانقانه اپورتیسمت های چپ و ناموضع - کویلهای مرتجعین راست بیشترین فشار و مسئولیت سازمانی را به عهده داشت. وی آماج حملات متحرکین و برترجمین قرار داشت چرا که بار مسئولیت مکتبی - مهادین خلق را بلخوی بردوش خویش احساس میکرد و تمام موجود علیه انحراف و ارتجاع میگردید تا بنیاد سازمان را بر این اندازه استادگی میکرد.

پس از آزادی از زندان

بالاخره وی همراه با آخرین سری زندانیان سیاسی رژیم خائن و در اوج فہام قهرمانانہ خلق و بهمت سردم از زندان آزاد گشت. او در اولین سخنرانی خود پس از آزادی در دانشگاه تهران چنین گفت:

" مگر میشه غورخیزد روگشت، مگر میشه یاد را از وزیدن بازداشت و باران را از باریدن، مگر میشه آفتاب نوس را خشک کرد، مگر میشه بهار را از آمدن بازداشت، مانع رویشدن لاله ها شد، مگر میشه ملتی را تا به ابد اسیر نگه داشت، مگر میشه تا ابد خلقتی را در زنجیر نگه داشت، نه، چرا؟ این خواست خداست. او را ده خلق سنت تاریخه، قانون اجتماعه، و لن تجد لسناله تبدیلا" و لن تجد لسناله لکله تحوللا"

مسعود پس از بهروزی مردم در بهمن ماه ۵۷ مبارزات پیگیری را علیه امپریالیسم و ارتجاع لحنطای حتی ترک نکرد. بخشی از فعالیت های گسترده او و تا آنجا که به روابط خارجی مجاهدین خلق مربوط میشود در مطبوعات این دوره کموبیش منعکس گردید هات.

و حال مسعود از طرف مجاهدین خلق نامزد انتخابات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی شد هاست. کسی که در اولین روزهای رهایی از زندان فریاد برآورد که: " ما سرزاده ایم که زر بگیریم و بقینا از همین دیدگاه در این مبارزه شرکت خواهد کرد و ثمرات توحیدی و انقلابی خود را پاس داشته و در این صحنه نابرابر و ناخواسته نبرد رسالت خویش را به بهترین وجه به انجام خواهد رساند.

پشتیبانی از نامزدهای

مجلس بررسی قانون اساسی

ما افتخار کنندگان زیربمه لیست نامزدهای گروههای:

گزارشی از یک دیدار ....

ایجا دیک رابطه در انیوزیر نظر آن سازمان به وابستگی ارتش به مشخصه صورت قانونی داد. در حالیکه از نمایندگان ارتش در این کمیسیون غیبری نمود.

به این ترتیب منافع امریکا و اسرائیل که می خواستند انیویسی یا پکا هی برای اجتماع جدید با خود هم چنین منافع انیویسی که به این وسیله راهی به دریا پیدا ای - میگردند را می میدود و این میان آن کس که به حساب نیامد و عا کش مورد معامله بیگانگان قرار گرفت خلق شتکتشیده و محروم ریشتره بود.

بعد از این جریان، ما مخالفت خودمان را با این تصمیمات به صورت مختلف و از جمله تظاهراتی که انجام ای - دادیم به گوش سازمان ملل رسانیدیم و چون این شیوه ها موثر نیفتاد، در سال ۱۹۵۷ ما - رزه را به صورت تشکیلاتی آن

فهرست نامزدها ..

- ۵- استاد محمد قلی - شریعتی
- ۶- آقای دکتر مهدی مگرکی - فارس
- ۱- آقای دکتر حسن اسدی - لاری
- ۲- آقای جواد براخی
- ۳- آقای دکتر کرامتیان
- ۴- آقای دکتر محسن محلوجی
- مازندران:
- ۱- آقای حسن اکبری - مرزنآباد
- ۲- آقای دکتر مراد علی زهری
- ۳- آقای سیف الله کبیریان
- ۴- آقای دکتر محمد رضا روحانی

جنبش - جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران (جا ما) جنبش مسلمانان میا رزه - سازمان اسلامی شورا (شائ) - سازمان مجاهدین خلق ایران

- ۱ - حضرت آیت الله طالقانی (در صورت پذیرش خود آن حضرت)
- ۲ - آقای دکتر حبیب الله نینان
- ۳ - آقای علی افشار حاج سیدجوادی
- ۴ - آقای مسعود رجوی
- ۵ - آقای دکتر کاظم سامی
- ۶ - آقای مهندس عزت الله سعابی

شروع گردید و در سال ۱۹۶۰ جنبه آ را دبیش ارتش بعنوان یک سازمان سیاسی تشکیل شد و یکسال بعد یعنی در ۱۹۶۱ ما دست به مبارزه مسلحانه علیه حکومت هیئت لاسی زدیم در حالیکه بجزگه قبضه سلاح چیز دیگری نداشتیم. رهبر مبارزه مسلحانه شهید ما مد ما در برابر فرخنده علاوه بر انیویسی، آمریکا، اسرائیل و فرانسه را داشتیم که به دوست انیویسی کمک میکردند، اولین رابطه بین المللی ما تا نیس دفتر بود در سوئالی در سال ۱۹۶۲. و اکنون همک با یگانه تعلیمی نظامی در سوریه داریم.

مجاهدین: تحلیل شما از رژیم هیئت لاسی و رژیم فعلی به لحاظ اقتصادی و سیاسی چیست؟ احمدناص: در تحلیل ما (جنبه آ را دبیش ارتش) عواملی از بین رفتن رژیم هیئت لاسی در درجه اول، فشار مبارزاتی ما و در وهله بعدتها دعای درونی رژیم بود. نظام طبقاتی کهنه نشودال - شور و زو ا شدت فشار بر طبقات محروم اجتماعی که باعث رشد جریانات دانشجویی

۵ - آقای ابودر

- ورداسیسی
- زندان و ترویی:
- ۱- آقای هادی مؤمنی
- ۲- آقای کریم حاج سید جوادی
- چهارمحال بختیاری:
- ۱- آقای مهندس احمد نوربخش
- سمنان:
- ۱- آقای دکتر حسین غزازی

همدان

- ۱- آقای مهندس داوود میلانی
- ۲- آقای دکتر رحیمی نظیری
- گیلان:
- ۱- آقای شهاب شماری
- ۲- آقای طاهر خوش خلق
- ۳- آقای هادی یورگل

- ۷ - خانم دکتر طاهره مفارزاده
- ۸ - حجت الاسلام دکتر علی تقویری
- ۹ - آقای دکتر ناصر کا توریان
- ۱۰ - آقای دکتر عبد الکریم لاهیجی

برای مجلس خبرگان رای می دهیم. وابسته را در داد امیریا - لیم پیفتد، ما اکنون با چنین دیدگاهی با انیویسی برخورد میکنیم. این میان چه بود، آیا دارای با یگانه در ارتش بود؟ تا تمام

و کارگری علیه آن گردید و بالاخره به سیدگی نظام که مسعود استعفا رگرا هم دیدند که پس نظام نمیتواند بنا بر این باشد.

با توجه به فقدان یک سازمان و تشکیل سیاسی در انیویسی، ارتش تنها نیروی متشکل در کشور بود. ۱۲۰ نفری که شورای رهبری ارتش بودند همه از جانب یک واحد ارتش انتخاب شده بودند، بدون این که پشت سر آنها یک جریان سیاسی وجود داشته باشد پس در حقیقت تغییری که ایجاد شده نودنه بر اثر یک انقلاب بودونه بر اثر عملکرد یک جریان سیاسی، این گروه با خود هیئت لاسی رابطه داشتند و رفته رفته جدا شدند. و بعد از آنکه قدرت را در دست گرفته و کار انجام دادند یکی اینکه وابستگی های لاسی را اعدام کردند دیگر اینکه اطلاعات ارضی را به مرحله اجرا درآوردند.

حالیان رژیم جدید هم بخشی از جنبش کارگری انیویسی - بخشی از جنبش دانشجویی انیویسی است و نه همه آن.

ما بعنوان یک جریان انقلابی این تحولات را تحولاتی متروقی و مثبت تلقی میکنیم و در مقابل یک طرح ساده ای برای حل مسئله داریم:

- ۱ - برسمیت شناختن حق ما بر تعیین سرنوشت خودمان
- ۲ - حل مسئله ملیتها به شیوه ای انقلابی.
- ۳ - تمام جریانات سیاسی موجود که در زمان های لاسی مبارزه میکردند در جنبه واحدی قرار میگیرند و برای پیشرفت و رشد نظام جدید بکوشند.

ما معتقدیم و تجربه های بسیار هم این اعتقاد را تا کشید میکنند که در کشورهای جهان سوم کودتاهای ترقیخواهانان اگر پیشوا نه سیاسی نداشته باشد، اگر چه شما رای غیلبی عوسی هم بدهند، رسوا نجاستن با ما ذات است و یا شمیری.

چرا که بعد از انقلاب سوسیالیستی اکثر انقلابها در کشورهای مستعمره با تئیم مستعمره دارای ماهیت سیاسی دموکراتیک و ملی هستند. چون در این کشورها تنها داخلی نیست وروابط برابری و برابری نیست بلکه بین خلق و امپریالیسم است، که بعد خود بورژوازی سر کار میآید و در راه پیشترندارد، با با پدرا سوسیالیست را پیش بگیرد راه سرما یه داری وابسته را در داد امیریا - لیم پیفتد، ما اکنون با چنین دیدگاهی با انیویسی برخورد میکنیم. این میان چه بود، آیا دارای با یگانه در ارتش بود؟ تا تمام



اسلامی عاجز نمانده، و تسلیم تاملات جاهلی و اشراقی خویش گردیدند. آنان که برخی از صحابه پیامبر نیز در میان آن بودند، تدریجاً از حقیقت اصل اسلام فاصله گرفتند و دین را وسیله نهای خویش ساخته و از مبدعانه در پی منافع فردی خود رفتند. خلاصه بی سرودا اشراقیت جدیدی بوجود آمد که تنها هنر شجرات خوار و افتخارات و شهاده و قهرمانیهای گذشته، و نزدیکی به پیشوای انقلاب یعنی پیامبر بود. انحراف تا بدانجا کشیده شد که بعداً "در دوران بنی امیه صحبت از برتری اعراب بر دیگر اقوام به میان آمد، آنهم به این دلیل که رهبر انقلاب یعنی پیامبر از میان اعراب برخاسته و بنا بر این آنها باستی امتیاز خاصی نسبت به غیر عرب داشته باشند" تدریج نطفه های مال اندوزی و امتیاز طبقاتی پست شد، برخی از صحابه در همین آنکه در انجام وظایف خود دستگیر بودند احکام و حدود را با قاطعیت اجرا میکردند، ولی مشی اقتصادی اجتماعی آنان چنان بود که راز را بر تشریف نداشتند و استنثار مردم بطور قاطع نمیست. آنان بطور کلی به عقاید شیعه اسلام در زمینه نفی استنثار و ستم اجتماعی و تشکیل جامعه قسط بر پایه مستضعین نرسیده و در این زمینه تشریح و ساده اندیش بودند. در نتیجه انحراف در طول زمان گسترش یافت و تدریج به فطوح خود رسید. بررسی عمیق این جریان نشان میدهد که جریسان موق مامل انتقال ثروت و دسترنج توده مردم به اقلیت ممتازی بود که سران اموی در رأس آن قرار داشتند. ویژگی این جریان در شکل حاکم بخشی ها و گاردن خویشان بر مناصب مهم، توجه به تجملات و زرق و زوری و راحت طلبی خلاصه میشد.

**مردم بیاهنجارند:**

اینها همه موجب میشود که رفته رفته نطفه های مبارزه علیه این جریان در شهرهای مختلف نمودن کرد. همه مردم میگفتند که جریان فوق مسجد پیامبر را بزرگ میکند ولی هدف انقلابی او را رها کرده زیر پا میگذارد. حق و عدالت است که از ارکان اسلام و مستوای توحید است که صورت شماره های بدون محتوا در میآورد. سرانجام مردم بخشگین که از این جریان انحرافی در پطن اسلام به تنگنا مده بودند می شوند. آنکه انبوه توده ها به جانب علی (ع) روان شده و از او دعوت به کار میکنند. امام علی نیز چنانکه در خطبه میفرماید: "گوید: " بر اساس دعوت تو و ما خواست حاضرین و ضرورت وجود باوری برای خلقها و لزوم پاسخ به توده های بیاعثه و اینکه خدا از ادانایان پیمان گرفته است تا بر سیر طالع و گرسنگی مظلوم آرام ننشینند" (وَمَا أَجَدُ الْوَلَدُ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ لَا يَقْرَأَ عَلَيَّ كَقَوْلِهِمْ وَالْأَعْيُنُ مَطْلُومٌ ... ) مستولت جدید را عهده دار میشد، و در خطابه اش بلافاصله پس از بیعت با مردم خط مشی و راه خود را اعلام میکند.

نکته بسیار قابل توجه در این خطبه اینست که امام علی در اولین قدم حکومت خود، بر روی پایگاه

اقتصادی - اجتماعی رژیم و جریسان انحرافی یعنی اشراقیت زمیندار بنی امیه انگشت میگذارد، ولی تشریحات خویش را توجیه طیفهای از زمینداران بزرگ میکند که نفوذ روزافزونی یافته بودند. این طبقه فرمانداری شهرها را بدست گرفته، و با استنثار دسترنج بردگان و تصاحب غنائم و زمینها، اشراقیت جدیدی را بوجود آورده بودند. امام هر روز اراضی جدیدی را تسول خویش می نمودند، و بساط خوشگذرانی و هویشی و ثروت اندوزی را گسترش میدادند و کارهای و قدرت را از خلافت هم گرفته بودند.

امام علی سخن خود را با حمله به اشراقیت زمیندار، این پایگاه کثیف رژیم و جریان انحرافی آغاز میکند، و با قاطعیت اعلام مینماید: "وَاللَّهِ كُوِّ وَوَدَّعْتَهُ قَدْ تَرَجَّعَ إِلَى الْبَيْتِ وَالْمَلِكِ بِالْأَمَلِ كَرْدَتْهُ ... " (سوگند بخدا بخشیده رازد هر کجا که پیام صادره خواهم نمود. حتی اگر این اموال به کابین زسان رفته و با آن کنیزان خرید شده باشد، البته توجه داریم که در شرایط تاریخی خاص کابین خسته در آن شرایط بیان شده "دوران بزرگی" خرید و فروش برده و کنیز از امور رایج در جامعه های مختلف بوده است.) موردی که علی در جمله فوق مثال نمیزند "صاحب دره" دارا استیهای بخشیده شده، حتی اگر صرف خرید کنیزان و پاکبازین زبان شده باشد) با توجه به شرایط اجتماعی - تاریخی و فرهنگ آن زمان، بخاطر حساسیت ویژه ای است که نسبت به موضوع در مردم وجود داشته است، و خود نشانها تاکید و قاطعیت امام علی در مورد تصمیم فوق میباشد، یعنی با فشاری سر - سخنانه بر روی خط مشی "مصادره ثروتهایی که از دسترنج مردم بدست آمده"، و اینکه هیچ قیمتی و با هیچ عذر و بهانه ای حاضر به کوتاه آمدن نیست و استنثار نمی شناسد.

**دگرگونی سطحی یا بنیادی:**

خط مشی امام علی بطور کلی این است که انقلاب را تا نبودن کامل تمامی مظاهر سلطه رژیم طبقاتی و نهادهای آن و مخصوصاً پایگاه اجتماعی آن در مرحله مشخص تاریخی، یعنی اشراقیت زمیندار، ادامه دهد. علی بخوبی نگاه است که انقلاب مردم با رهبری علی و حکومت او عاظمه نفاقت، و باستی در اولین قدم پس از بدست گرفتن مسئولیت و رهبری در مسیر ادامه انقلاب به خلق پد از این اشراقیت جدید در پطن اسلام دست بزند. اشراقیتی که با تظاهر عالمانه به اسلام، به صحنه و تحریف مستوای انقلابی مکتب برداشته و بنام اسلام و سوءاستفاده از آن، زمین دار، کنیزدار و برده دار شده اند. و میروند که مسیر جنبش را به انحسار اف بکنانند. علی میدانست که انقلاب بدون پرداختن به این مساله مهم، اجتماعی - اقتصادی، ناقص و رو به افول خواهد بود. و در نهایت چیزی جز یک تسمیر سطحی نمی باند و اساس و بنیاد نظام رادست نخورده، باقی خواهد گذاشت. و دشمن دیواره خواهد توانست به شیوه دیگر و از راههای جدید مجدداً نفوذ نماید و حاکمیت

خویش را باز یابد. اینست که مبینیم امام علی قبل از هر چیز، و قبل از بر - داختن به خلقی از بدعتهای دیگری که ارتجاع برجای گذارده به موعظگی بر علیه پایگاه اقتصادی - اجتماعی جریان ارتجاعی پرداخته و مصمم است که آن را بطور کامل ریشه کن سازد. بدین سبب است که اولین بیانیه خود را با اعلام مواضع سر سخنانه خود مبنی بر مصادره اموال و زمینها و بخشیده ها شروع مینماید. و بدین ترتیب رژیم اموی و نظام اشراقیت وقت را، از اساس و بنیاد آن متزلزل میسازد.

و درست بهمین خاطر یعنی طرز عمل انقلابی علی است که تمامی استنثار - گران ثروتند و انگل های اجتماع که تجاوز به حقوق دیگران اساس شیوه زندگی شان را تشکیل میدهد، سراسیمه شده و بر علیه علی میسر میشوند. مخرنرین چون طلحه و زبیر وقتی دیدند با اعلام خط مشی ملی موافقت و منافعان به خطر افتاده است تعجب و پیمان های اسلامی خود را زیر پا گذارند. با استفاده فرست طلبان از سوابق نزدیکی خود با پیامبر و نیز بناگاهی توده مردم، یک جریان انحرافی را ماضی نمودند و با مشی ملی، برای انداختن و دست شوه های فرست طلبانه و مرفضانه و با وارونه جلوه دادن حقایق، بنیاد دشمنی با ملی را گذاشتند و جنگ چهل را بها نمودند. آنها از این راه به انقلاب و مردم پشت کردند، و بزرگترین خدمت را به دشمن کینه توز و قدرتمند وسیله گر خارجی یعنی معاویه نمودند. اینان از علی امتیاز میخواستند و فکر می کردند که علی را میتوانست در برابر خواست خود تسلیم کنند، و به رسم دوران گذشته سهم و بیزای در تقسیم بیت المال ببرند.

**مضمون عدالت در منطق امام علی:**

اما علی در برابر آنها با قاطعیت ایستادگی کرده و سوگند میخورد که: "اگر بیت المال، مال شخصی من هم بود آن را بطور مساوی تقسیم میکردم، پس چگونه میتوانم برای مساوات مثل کرد در حالیکه برای آن خداست" (خطبه ۱۲۶) و در خطبه دیگری میگوید: "در حالیکه دارایی از آن مردم است) بنا بر این علی، دست در میسینه استنثار طلبان میزند. بر مصیبات که به مردم و طبقات محروم روی آورد، و راهی را برود که به تحقق خواسته ها و آرزوهای توده های فقیر تحت ستم منتهی گردد. علی برخلاف سیاست اقتصادی گذشته، که محترمین مامل انحراف و درهم - رخنگی و فلات جامعه بود، شیوه کفایت و ستاوتی را در پیش میگیرد، که رشد واقعی و همه جانبه توسعه اقتصادی عادلانه را تأمین خواهد کرد. این سیاست همانا اتخاذ شیوه "عدل و کرایش" است همانا تحت ستم جامعه است: "لَيْسَ فِي الْأَعْمَالِ يَقَّةٌ (همانا توسعه و رشد واقعی هر گرو انتصاب راه "عدل" است.)

این راه "عدل" است که فایده های طبقاتی را از بین میبرد، و قدم نهادن در آن مستلزم روی نمودن به مستضعین و طبقه محروم و زحمتکش اجتماع میباشد. راهی که به مساوات طبقاتی و حرکت به جانب نفی استنثار

و بهره کشی منتهی میگردد. اگر ما مستفید کموافقتی مستقل از ذهن ما در دنیای خارج وجود دارد، و کار جهان بر مبنای حساب و کتاب و اصول مبنی استوار است پس نباید تردید داشت که در نهادن بر این اصول که بر تمام هستی حاکمیت دارند، لازمه "عدل" و اعتدال به نظم و قانونند است. جامعه منسیر به عنوان بخشی از جهان بر بنیاد اصول شخصی بست مقصد بزرگ توحید و یگانگی " تکامل می یابد، لذا هر خط مشی و سیاست که برای حل تضادهای اجتماعی بکار گرفته میشود، چنانچه بر مبنای این اصول تکاملی نباشد، یعنی از شیوه اصولی حل ساله مدول شود. لاجرم از مسیر "عدل" خارج شده و ما را به سراسیمه انحراف و با ارتجاع سوق میدهد داد. بنا بر این، آنچه علی (ع) در این خطبه بعنوان "شیوه - عدل" مطرح میسازد، جزوی از جهان شیوه ها و راههای اصولی برای حل مسائل و تضادها و معضلات جامعه نیست. شیوه هایی که طبیعت ملازم با موضوع گرفتن به نفع طبقات تحت ستم و حرکت به سمت نحو استنثار و محو طبقات استگر و تحقق بخشیدن به حاکمیت مستضعین و یگانگی اجتماعی است. در مقابل این روش، " جور " قرار دارد که نتیجه آن از دیاد فاصله طبقاتی و تشدید و گانگی و در حقیقت استنثار زحمتکشان و طبقات مستضعف اجتماع است.

اینست معنای واقعی عدل، از دیدگاه خود علی ملی. عدل در این دیدگاه هرگز یک مفهوم مجرد و انتزاعی که هیچگونه ربطی با دنیای مین و موعظگی های اجتماعی و اقتصادی ندارد، نیست. ملی (ع) خود در جمله قبل این برداشت توحیدی از واژه "عدل" را بخوبی نشان داده است. آنجا که شمار مصادره اموال نصیب شده مردم را مطرح میکند، و خلق بد از اشراقیت زمیندار را در راسرنامه مکتوب خویش قرار میدهد، از اینرو علی فارغ از هرگونه تردید و هراس خاطر سختی ها و مشکلات این راه و بدون هیچ شائبه غیر توحیدی، که او را بخاطر از دست دادن برخی حمایتها و امکانات، به تسلیم در برابر تاملات خود جوینانو غنای تکاملی امثال طلحه و زبیر وادارد، قاطعانه بر روی این اصل تکیه کرده و به صراحت اعلام می - دارد که:

**" یگانه راه توسعه اقتصادی و گشایش و رشد همه جانبه، در انتخاب راه "عدل" است، "**

**مشکلات راه اصولی و عادلانه:**

او در همین حال بعین نکته نیز توجه دارد که اتخاذ این روش اصولی، بلاشک در کوتاه مدت، او را با مشکلات و تنگناهایی مواجه خواهد ساخت، نیروها و امکاناتی را از دست میدهد، و حتی با تحقیقات توانمندی که جریانات انحرافی در پیش راه او ایجاد خواهند کرد، چه بسا کندیهایی در حرکت او بوجود بیآورد. اما با همه اینها پیمان دارد که چون راه درست و اصولی را برگزیده، بطور دراز مدت و در بنا حرکت اصولی "عدل" همه آنچه را که بظاهر از دست میدهد، بدست خواهد آورد. و

در نهایت این ارزشهای خدائی و تکاملی است که، گشایش همه تنهی دستها و تنگناها و سختی راه است. ارزشهای که نهایتاً " در تریزی و قدرت توده ها متبلور میشود. ملی برخلاف مدافعان راه رشد غیر عادلانه و سرمایه داری، اصالت را به عامل انسانی و خلافتت مردم میدهد و نه تکنیک و سرمایه. دشواریهای راه اصولی و درست، هرگز نمیتواند مجوز عدول ما از آن، و تشابه و انحراف گردند. تازه هر انبصورت یعنی اگر انحراف رادر پیش گیریم، معلوم نیست از این مشکلات راهی باهمو با مشکلات پیچیده تر و نازل دیگری مواجه نگردیم. اینست که بلافاصله علی (ع) در دنبال مطلب میگوید: "وَيَزِنُ شَأْنُ تَمَكُّبِ الْمَسْئَلِ فَالْجَوْرُ عِنْدَهُ أَضْيَقُ" (هر کسی که اتخاذ شیوه عدل سخت آید، بدون شک، راه غیر عادلانه سختتر است و او را با تنگناهای بیشتری روبرو میسازد.)

معنی این تأکید آنست که هرگز نباید سختی ها و تنگناهایی، که بر اثر بردن از طبقات سرتوده و استنثارگر و روی نمودن به مردم محروم و سوسج آنان، بطور موقت دامگیر انقلاب میشود، ما را دچار هراس نموده، و مقصود ما را - زیرا که امکان خروج از این مشکلات در صورت انحراف از عدل وجود ندارد و به بن بست دچار گشتن ما، بلکه موافقت اینست که این مشکلات که لازمه بیودن این راه هستند، همگی کوتاه مدت میباشد. برعکس، این راه انحرافی، مسیر غیر عادلانه توسعه است. که بدلیل عدم امکان آن به خلق وسیع کن کردن آنها در مسیر توسعه اقتصادی، سرانجام محکوم به بن بست و شکست است.

انتخاب شیوه غیر عادلانه ممکن است در کوتاه مدت، قدرت توسعه و گشایش اقتصادی ظاهری و بخت افلاقی را فراهم سازد ولی در طولانی مدت با تناقضات لاینحل و تنگناها و بن بست های گریز ناپذیری دستگیر میآید. هر چه شد که سختی های آن میراث بیشتر از طریقه اول در ( توسعه عادلانه) خواهد بود.

گشایش و توسعه اقتصادی غیر عادلانه و بی بند و بار سرمایه داری که در سر راه خود، حقوق سایر طبقات مستضعف را لنگه کوب میکند و تنگناها و بحران های بهایی آن گسترش آورا از درون، با تضادها و تناقضات نابود کننده، رومیرو خواهد ساخت، بهترین مثال این معنی است. در تاریخ معاصر خودمان میتوان از کشورهای نظیر مصر و ایران و ... نام برد که بخت اتحاد شیوه توسعه غیر عادلانه و مرجع شدن تکنیک و امکانات سرمایه داری بر عامل انسانی و توده های محروم، سرانجام در مسیر این رشد اقتصادی در ورطه تنگین و استگنی به سرمایه داری سقوط کردند.

سیری که در ادامه آن، دچار آنگان فلکات و درماتدگی های میشود که سرانجام بجز یکی از این دو راه است: یا سرمایه داری (سوسنه) یا امیرالبنس و ضمانت (سوسنه) (مصر) و یا بازگشت به راه عادلانه و مردمی. راه سومی برای خروج از بن بست وجود نخواهد داشت.



### آیه الله طالقانی...

اسلام را تشناخت است... از آنجا که سخنان آیات الهی، حاوی نکات ارزنده و مبهمی بود، ما لازم دیدیم که بحثها و محاورهای عمده نطق ایشان را در اینجا بیابیم و رویم.

### وحدت و تفرقه نیروها

"ان هذاهمکم امة واحدة..." (مؤمنون ۵۲ - ۵۳) خطاب به انبیاء است. آنها فی که راه گشای سوی توحید و وحدت کلمه و قسط و عدل بوده اند. انبیاء در قبال تاریخ و نعمول حرکتهای اجتماعی در جامعه های بیامد را کدو شکر و بیت پرستی ظهور نموده، و توحید عقیده و عمل را اعلام کردند. مردم را در یک مسیر و در یک خط واحد عقیده ای و ایمانی و اجتماعی، برآوردادند...

### اسلام اصل، آزادی بحث و انتقاد را محدود نمیکنند

ما چه میخواهیم؟ چه کسی گویم؟ آیا غیر از آزادی، اجتماعات و گروهها مدعی دست مویصل استعمار، آیا غیر از نفی استعمار، آیا این ساقط در اسلام ما و دین ما نیست؟ آیا نمیخواهیم بگویم که هست و نمیخواهیم بگویم که نیست؟ اسلام، اسلامی که ما میخواهیم، اسلامی که ارشاد



مراسم بزرگداشت شهدای سی ام سپهبد سردان بهارستان

قرآن و سنت بیفهم سرچشمه گرفته، هیچگونه آزادی را محدود نمیکنند. هر جمعیتی که نخواهد آزادی مردم را در اعتقاد و بحث محدود کند، اسلام را شناخته، جمعیتی که نخواهد اعتقاد استعمار و استعمارگر را از شناسایی و هدف همه مبارزان راستین یکی

### است: نفی استعمار و نفی استبداد، نفی استعمار.

گروهها و جمعیتها چه می خواهند چه میگویند؟ کفیز از عدالت، غیر از قسط، غیر از آزادی... بین مسلمانان یک غذا، یک معاد، یک معاد، یک قرآن، یک کتاب، یک معاد است

گروههای غیر مسلمان هم قسط میخواهند، عدالت میخواهند، نفی استعمار و استعمارگر می خواهند. مگر قرآن موافق بنا استعمار را استعمار راست آیا کسی در مجالس و مجالس گاهی خوانندم: "وَلَقَدْ آتَيْنَا نُونَا بِأَنْبِيَاءٍ وَأَنْزَلْنَا مَكِّبَهُمُ الْكِتَابَ وَاللَّهُمَّ إِنَّا لَبِقَوْمِ النَّاسِ بِأَلْقِطِ"

قسط یعنی چه اقسط یعنی حق هر کسی را به او دادن، قسط یعنی هر کسی را در موضع خود قرار دادن. قسط یعنی شمره کار و فکر هر کسی را به خودش برگرداندن. قسط یعنی نفی استعمار و استعمار یعنی بهره گیری انسان از انسان که بدترین پدیده جوامع بشری از ابتدای تاریخ است. بشری که خدا او را مختار و متفکر و آزاد قرار میدهد. ساق از منابع طبیعی بهره مند نشود.

شبهه ها، اختلاف انگیزیه های همه روزه در روزنامه را بدوید و... است که مبراد رکشی میشود چرا برادر رکشی؟ مگر تو ای برادر کرد، برادر عرب، برادر بلوچ، غیر از آزادی، غیر از قسط و بلوچ دیگری داری؟ کسب در سایه اسلام و قرآن تا میبینی نشود. از کجا میتوانی تا همین کنی؟ چه صورتی میتوانی تا مین کنی؟ در سایه کدام کشور میخواهی قسط و عدالت را تا مین کنی؟

### کارتی نکنیم که جهر اسلام آلوده گردد.

آنچه برای ما و رهبری ما سیم است نشان دادن چهره واقعی اسلام میباشد. بمباران رسول خدا و مدار اول اسلام این چهره آلوده شد. اسلام را در بارها ما در دست آورده ایم، اما در بارها، ما دستگاری به طبقات متجاوز و استعمارگر، اسلام را تحریف کرده اند.

و میخواهیم بگویم این اسلام آن اسلام اصیل نیست. آن اسلامی که قرآن آورده، آن اسلامی که بیبا میرا آورد، این پدیده فاخره ای که در بر شرب تشکیل شد، غیر از این اسلامی است که امروز در کشورهای اسلامی و در کشور ما بحال بود. اجتماع ما اگر شکست بخورد، میبایست گروههای مذهبی جوانهای مذهبی، رهبرهای مذهبی، با یکدیگر متحد شوند که اسلام شکست نخورد، چهره اسلام خراب نشود. علی (ع) شکست خورد، اما ما حسین هم شکست خورد، اما ما اسلام معرفی گشت علی میتواند است. با یکدیگر متحد شوند که اسلام شکست نخورد، چهره اسلام خراب نشود. علی (ع) شکست خورد، اما ما حسین هم شکست خورد، اما ما اسلام معرفی گشت علی میتواند است. با یکدیگر متحد شوند که اسلام شکست نخورد، چهره اسلام خراب نشود.

### اسلام مخالف تنگ نظری

برادرها - فرزندان - مسلمانها: اسلام را ای سعید است - اسلام دارای گذشت و چشم پوشی است. اسلام با تنگ نظری درست در نمیآید. بنا بر این ما هم، تا ما دامیکه افرادی گروهی در خلاف مسیر حرکتند، حق نداریم که نسبت به آنها تفرقه بیندیشیم، ما اینست که با تنگ نظری اسلامی ما حرکت نکنیم. ما اینست که با تنگ نظری اسلامی ما حرکت نکنیم. ما اینست که با تنگ نظری اسلامی ما حرکت نکنیم. ما اینست که با تنگ نظری اسلامی ما حرکت نکنیم.



# فاطمه امینی

و ستون مهره های سختی جرات برداشته بلکه نخاص او نیز در اثر سوختگی آسیب دید و بدنش فلج شد. بطوریکه دیگر هیچ حرکتی نمیتوانست بکند. تنها اینکه یک دست او قدری حرکت داشته است... دراز شدت کشیده گردنش خون او کارکرد مادی خود را از دست داده بود و خون به تمام بدنش میرسید. بهمن علت در بیمارستان، اورژاری یک تشک برقی می خواهم بیدند که هر چند ساعت یکبار یک طرف آنرا بادی کردند. تا بدین وسیله حرکتی به او داده نشود و خون به سایر نقاط بدنش برسد. ادرارش را نیز با سوند می کشیدند. حتی فداکار بیمارستان دردها را می گذاشت. هر روز که پرستاران با نسان رخم و سوختگی پشت او را عوض می کردند، بادی را باندازه "سراسر پشت او میاشده می کردم، که آفتابه به چرک و خون بود. در این موقع بوی چرک و عفونت سراسر اتاق را فرامی گرفت. روزه افورودن همه ما را از بیمارستان به کشته بردند. و لسی فاطمه را چون حالتش وخیم بود نتوانستند از آنجا تکان دهند....."

منوچهری، این مزدور خون آشام بعداً "به این جنایت خود قبحانه افتخار می کرد، و برای ترسیم چهره "دزخ خود برای انقلابیونی که گرفتار اوستی شدند" گفت "شاهر قدرم که تحمل کشیده داشته باشید، به اندازه یک موی فاطمه امینی نیستند. من جلا فاطمه امینی هستم....."

## درسول اوین

فاطمه پس از مدتی از بیمارستان شهرابی دوباره به شکنجهگاه اوین منتقل شد. در آنجا یک نیمه جان او را در سگ سلول انداختند و یکی از زندانیان دستش را که پرتک بود، برای مراقبت از او با

فاطمه در یک سلول قرار دادند. ساواکی خواست فاطمه زندمانان با هم نتواند و از شکنجه کند. مطابق خبرهای موقتی که بعداً "به ما رسیده اطلاع یافتیم که فاطمه پس از مدتی به ستاری، ورسدگی این زندان، تی پرتک بهبود نسبی پیدا می کند. ولی دوباره اورا به ریزش می کشند. این بار یک آدرس دروغین را در قیطره به ماورد. ان می دهد که آنجا را چندین روز سرگردان می نماید. ما موبران پس از آنکه مدت ها وقت و انرژی خود را در درس می دهند و نتیجه سختی خود را می بینند، در آنجا آدرس شده و مجدداً او را با غاطر انتقام گرفتن سخت شکنجه و آزار فرامی دهند. در شترنامه و بخصوص بر داد شکنجه شدت می یابد و برای چندمین بار او را می سوزانند. عفونت ناشی از زخمهای چرکین بدن او وحشی رسیده بوی چرک سراسر فضای زندان را پر کرده و دو ماورین مجبور شدند برای گریز از این وضع او را روزانه یک ساعت در سبیل سلول در آفتاب قرار دهند. گاهی هم که حالت خیلی وخیم می شود او را در سبیل زندان اوین بستری می کردند. در اوایل مرداد ماه ۵۴ فاطمه برای آخرین بار به شکنجهگاه برده می شود از این تاریخ بعد هیچکس از سرنوشت او اطلاعی نداشت. معلوم نیست فاطمه از این پس تحت چه شکنجهائی قرار گرفت ولی مسلم است که او در بر همین شکنجه ها، در زبری سابقه ترین و فجیع ترین شکنجه های قساوت بار جانان ساواک به شهادت رسید. (۱) مدارگی که بعداً "از ما- واک بدست آمد، تاریخ شهادت وی را ۲۵ مرداد ثبت کرده اند. دشمن سپس بخانواده امینی گفت:

"فاطمه در سلول خود کشتی کرده است و مدارگی هم برای اثبات این ادعایش جعل نمود. چنین بود که فاطمه این سزورن مجاهد و سمل پرافتخار مقاومت مجاهدین خلق ایران در آخرین نبرد خود نیز شهید شد. چه

به روزی بزرگتر از این که دشمن را با همه "تکتیک پیشرفته و ابزار شکنجه اش تا بدین حد حقیر و سزاگند ما زد تمام امید او را براری دست یافتن به اطلاعات و اسرار سازمانی خود میدن به پای آن میاید جلاد بدسو پایهای سلطنت بر تود را مدولی فاطمه بر روی پایهای خون آلود بودن فلج خود سرتخت و قهرمانان است! بدون شک راه جنش خلق ما و راه جهاد عظیم ضد دیکتاتوری بدون چنین قربانیانی، بدون این فداکاران بهائو جانانز بهای قهرمانان نماند نماند نمی شد. مادر سرد

ندان مجاهدان خلق بدست آوردیم. مای دانستم که در این نبرد اول بار ما معصوم و دشمن قوی، مای دانستم که دشمن بطور تکتیکی اتفاقاً "یکسرم واقعی و بسیار درنده است. ولی از سرف دیگر مصفا" ایمن دانستم که نبردی را که ما برای نابودی ستم و بهره کشی آغاز کرده ایم، یک جنگ عادلانه و انقلابی است. ما یقین دانستم که چون هدف خویش را به روزی خلق و بر فراز آغوش توحید و یگانگی اجتماعی قرار دادیم، به تدریج توده های ماری ما خواهند شتافت و زمانه که توده



میکنی که به طبع بر سر دگان امیر یا... لیم آغاز کردم می دانستم که این راه سخت و طولانی است و به روزی ساده ورود بدست نمی آید. ما دانسته بودم که این راه فراتر از زبانی می طلبد و تمام این خونبار و رنجها و شکنجه ها صورت انتخاب ناپذیر تکامل انقلاب اند. ما مکتب را راه اسلام امیل و انقلابی را نیز از همین طریق از لایه لایه جوخه های اعدام و از میان رنج و خون و شکنجه پاکترین و فداکارترین فرز-

به با سر بزرگوار اسلام کنیم که فرمود: "مجم شهری رحمان، عالم متشک و جاهل متشک" (دو گروه مکرر می کشند و استخوان های پشتم را خرد کردند.

یکی عالمی که میداند دستورهای اسلامی را زبیر می گذارد، و پوردهای اسلامی را میسرد، و بدین وسیله مکرر اسلام را میسند. و دیگر فرد جاهل و عامی که ناگاه - هانه خود را به اسلام میسپاند، و از طریق انجام کارهای گورگوانه و ناخبرانه بر رسول خدا ضرب کاری میزند."

این است دردی که هر انسان متصدیه اسلام را میشن و دردمند و مسزور میبارد بنا بر آنچه گفته شد، سوال اینجاست که: اولاً: چگونه است که افرادی که برای خوردنش روحانی قائل بود و دعوی به روزی از ما میانی امتدادی اسلام را می نمایند، بالاخره باید در همان سیری میگردانند که طاقتورین، مسالهای سال آن را تجربه کرده اند؟ تا نیا "چنین منکرده های در نهایت خود بکدام سوی روی می برد و چه مواثی در پیش روی دارد؟

چنانچه شاهد بودیم امام انغال کتابخانه تنها نمونه های منحصر بفرد از کارکرد انحصار طلبانه چنین عناصری نبوده است. بلکه این عناصر هر جا مشاهده کرده اند، گرایش فکری مسئولین امور، در جهت تا مین منافع آنها عمل نمیکند، بلافاصله دست بکار شده و با توسل به

شوه های مختلف اقدام به اخراج سزور- لسن نموده اند. در تمامی موارد فوق، ملبر قسم تقاو تهای شکلی، بیمن مشترک انحصار طلبی مشهود است. ارتجاع با مکردها ی غیر اسلامی خود قدم در گردها بره - گذارد که در طولانی مدت به مایع لاسی فروگندید و مکنده تبدیل خواهد شد. با تعلق که در سر راه تمامی قدرتمندان قرار دارد که فاقد تقوای اجتماعی باشند مگر این تاکید امام علی نسبت که مالا - حبت قبول مسئولیت را تنها عناصری دارند که اولاً: پیش تاریخ و قدرت جع بندی تجربیات گذشتگان و نظامهای سقوط کرده را داشته باشند.

و ثانیاً بدور از هرنوع وابستگی طبقاتی و مقام پرستی و منافع طلبی به زبور تقوای فردی و اجتماعی آراسته شوند. بدون این تقوای اجتماعی و فردی یک راه برای تمامی نیروها باقی نخواهد راهی که در اصل همان مسیری است که که تمامی قدرتمندان و طاقتورین جهان در سراسر این سقوط کرده اند. چرا انحصار طلبان از فعالیت آزاد اندیشانه شریعتی ها و یا عناصر صدیق و مومن هراس دارند؟ چرا مسئولین کتابخانه های ایودر و لیزاده و... که با عقادت ایدئولوژیک خود تلاش مستمر داشته و شایستگی خود را در محیط اجتماعی خویش نشان دادند، باید چنین خود سزانه تصفه شوند؟ و کتابها و اند

کشف ترین مزدوران سرچشمه های با سلب بشهادات رسیدند، اما تأثیرات تمام این مرگهای انقلابی همواره در کالبد حشمت انقلابی خلق ما با برجات و زربان و مردان مجاهد ریزنده ای که برای ادماره آسها به میدان می آید همواره خاطره ما را در پی و فداکار میانی آن را با پشتوانه با کراهی انقلابی و مقدس خود خواهند یافت و برجم آسمان توحیدی را که با خون این شهیدای والا مقام سرخ گشته همچنان برافراشته خواهند داشت. **خصیصه های انقلابی و توحیدی، فاطمه**

فاطمه از درون همین جامعه و از میان توده مردم و با طلی اکتد هار مشق مبهکار در راه خلق برخاسته بود. از لحاظی که قدم در راه مبارزه گذاشت تا زمانی که قهرمانانه در زبر شکنجه شهید شد، آنی از تلاتی و - فعالیت در راه انقلاب و سازمانش و به روزی آرمانهای اسلامی و مردمی خود قائل بود. تمام امکانات و انرژیها و هستی خود را وقف سازمان و انقلاب نمود.

فاطمه حقوقی را که ما میانه می گرفت متعلق به مردم می دانست و آنرا تماماً " در اختیار سازمان قرار می داد و هرگز دیناری بیش تر از حد یک زندگی سخت و پائین خرج نکرد. بیکار در این مورد گفت " وجود ما و معلومات و تحصیلات ما همگی شجره سرخ و خون دل این مردم و محصول کار و سزور رختن میسوا انسان رنجید به روز حشمت صیبن است که خود را تا مین حد افراط، سخت و مسائل و احتیاجاتی که برای زندمانان لازم است عاجزاند... " پیاز د سگری همسر و همزم مجاهدش، سوزبارگان، هم چنان به پیگار عسکی ناپذیر خود حسنی فعلا نه تر از گذشته ادامه داد. مقاومت سر سفتانه و جسارت انقلابی فاطمه نیز از پاکباختگی او سرچشمه میگرفت. در سخت ترین شرایط چنان روحیه ۴ بقوه در صفحه ۲

**مسئولیت نیر و های متعدد** بشه های مردمی این چنین مورد تعاضم قرار گیرد؟ جواش را همانطور که گفتیم باید در ماهیت انحصار طلبان و ارتجاع جستجو کرد.

مسئولیت است که چنین شوه های بهیج وجه نمیتواند مطلوب و حتی قابل تحمل برای کسانی باشد که در تقوای و تقوای ها و موضع طلبی ها گرفتارند و سماع را شنین خلق و انقلاب به خاطر آن بود، و شهیدای برای آن جان فدا کردند، با تمام وجود سی بندند. و در تشبه پیگیری با زبانه و میرند تبدیل میشوند. اما انسان متصد که در اندیشه پاسداری از آزادی اندیشی، انقلاب، و خون شهیدان هرگز نمیتواند از راه خود باز ایستد و تصد خود را فراموش کند. و علاوه بر آن این روشهای غیر دموکراتیک به کار ما انسانهای مسئول را غیور و مستعد است. و تصد و مسئولیت را از آنان سلب نخواهد کرد تا با راه خویش راست و عدولتالی در هر شرایطی خواهد یافت، و رسالت خویش را ایفا خواهد کرد.

اما برای افرادی که در یک پروژه طولانی ویر منای شناخت ایدئولوژیکو تصد خود نسبت بخدا و خلق به مبارزه کشیده شده اند، بدور از هرنوع وابستگی اجتماعی، مصمم به ایفای تعصبات و بهانه های غلطی و خلقی خود هستند، برای ایمن این امکان وجود ندارد که در از منافع راستین اسلام و خلق مستصم قائل شده و در جهت ارشای صاحبان قدرت کام بردارند.

### گزارش از بزرگترین کنگره شوراهای کارخانجات

- مشارکت مؤثر در سیاستهای سازمان نوسازی، و نیز مشارکت در انتخابات مدیران از خواستهای شوراهاست.
- کسب حقوق کارکنان بر اساس موازین اسلامی و برای دستیابی به جامعه بی طبقه و توحیدی می باشد.
- ایجاد صنایع ملی، از بین بردن وابستگی صنعتی از اهداف اتحادیه است.

مختصری از مفکرند نشست نهایی نمایندگان اتحادیه را از نظران میگردانم.

#### یاسداری از میراث شهدا

هفته اول به تورهایی کارکنان این شرکتها در آوج مبارزات مردم میهنمان در دیماه گذشته گرفت. این تورهادر شرایط کنونی از برکت آزادی نسبی موجود موفق به تشکیل یک اتحادیه سراسری شدند. باشد که پیوند جسته تورهادر طبقه وحدت و نورامیدی برای مستضعفین ایران شود. از آغاز روشن بود که دستهای پیر توان کارکنان و همت کارکنان مانع زیادی را از سر راه برداشته است تا نتوانستند با این گردمانی طهری از وحدت شوراهای طبقه در صفحه ۴

تورهادر میان تمامی اقتدار و طبقات خلق بویزه طبقات مستضعف جامعه ما نظیر دموکراسی و اپوزیسیون انقلاب ایران می باشد. در این میان اتحادیه سراسری تورهایی انقلابی اسلامی کارکنان شرکت های وابسته به سازمان گسترش و توسعه صنایع ایران در خلال جلسات خود موفق به تصویب اساسنامه و دستورالعملنامه مترقی ای شد که قدم مهم دیگری در تکامل شوراهای اتحادیه است. این نخستین اتحادیه تورهایی در تاریخ مبارزات کارگری ایران می باشد. بدنام گزارش کوتاهی که در نشریه شماره اول از این کنگره داشتیم. اینک

### نماز و حدت تجلی نیاز و حدت

اقتصادی بیشتری دارد. در اولین جمعه ماهی برپا رساء نزول ایدئولوژی توحیدی و تمجید انسان به معیاری برای شناخت راه کمال از پیرایه فتنه کامل ( کُتْمُرُ رُفَا نَ الْقَیِّ اَنْزَلَ بَیْهَ الْفَرَّانِ هُدًی لِّلنَّاسِ وَ بَیِّنَاتٍ مِّنَ الْاٰیٰتِی وَ الْاَنْزَانَ )

عاشق اسلام حاصل محتوایی سرشار از معانی بکرو واقعی در باغ دفره و آوازی اجتماعی است و در میان تمامی معاصر نمازما مت سبیل وحدت و یگانگی انسانها با یکدیگر و با عبادی خویش است. بویژه نماز جمعه که همچون هیچ با رهایی - اجتماعی و

در محیط مقدس دانشگاه همیشه رزمنده تهران، نماز جمعه بی سابقه ای برگزار شد این اولین نماز جمعه تاریخی بعد از انقلابها دهکده توری و اختناق در - میهنمان به امامت مجاهد دستوره الهه طالقاتی تکریمی ارواح مطهره خلق را بنامش گذاشت.

ایشان بعنوان امام جماعت با نصابی پدرانیه مردم را باقیام به فسط و عدل و جهاد به وحدت هر چه بیشتر در سربلای زره خداستعمار دعوت کردند.

از جمله درباره عظمت وحدت تمامی اقشار مردم و شطراتی که در سربلای این وحدت است فرمودند: "وحدتی که از درون دلها و جانها سرچشمه گرفته وحدتی که با رهبریهای فاطمه اسلامی بحزرت درآمد دنیا را شکران کرده. آمریکا، امپریالیسم اروپا، صهیونیسم همه به وحدت افتادند. با کارهای احقانه ای که در سرحدات ما برآه می اندازند گمان میکنند این مف را متلاشی کنند ولی جز سواشی برای خود نمی گذارند"

و در قسمتی دیگر ار سخنان ایشان با همان جدیتی که در کلام ایشان سراغ داریم گفتند: "استعمار بسیار بدجسوه بقیه در صفحه ۲

### مختصری درباره شرح زندگی و سرگذشت مبارزاتی برادر مجاهد مسعود رجوی

#### مسعود رجوی همراه برادرانی که همگی شهید شدند، نقش خود را در رهبری مجاهدین به عهده گرفت

مسعود رجوی در سال ۱۳۲۷ در شهر طس در خانواده ای مذهبی متولد شد. تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در مشهد گذراند. در طول سالهای تحصیل در جلسات مذهبی - سیاسی متعددی شرکت میکرد. اس فعالیت هایدنباغ فنام شهر - ما با خلق در ۱۵ خرداد ۴۲ گسترش و بعد دیگری یافت. او بدنبال دستگیری اعضا نهضت آزادی ایران و بخصوص دستگیری حضرت آیت الله طالقانی و مهندس بازرگان به بخش کتب و نشریات آنان پرداخت و از این طریق به گسترش ارتقاء مبارزات اسلامی در آن مرحله همت گماشت. او فارغ التحصیل رشته حقوق سیاسی از دانشگاه تهران است.



بقیه در صفحه ۴

#### آغاز فعالیت مسعود با مجاهدین

مسعود در سال ۱۳۴۶ و در حالی که بیش از ۱۹ سال نداشت به عضویت در سازمان مجاهدین خلق ایران پذیرفته شد و یکسال بعد به عضویت گروه ایدئولوژیک - بقیه در صفحه ۸

### گزارش سازندگی در اردوی عمرانی و آموزشی

- "جوانان انقلابی، این سرمایه های بزرگ خلق با سازندگی در روستاها، خود را میسازند."
- فتوای معروف منطقه برای تصاحب زمینها از هیچ دسیسه ای فروگذار نمیگردد

ما سبب از هر جای دیگر داغ این ششبار را بر چهره خودمان نشاندیم. سر تا معهای خدمت می رژیم دیکتاتور محمد رضا شاه که بر اساس منافع امپریالیستی جهانی تقوا و تنظیم شده بود، اساس کشاورزی و زندگی روستایی خلق

تسلط دیرینه امپریالیسم - میهن ما و حاشیای بی شمار رژیم سناک پهلوی، تمامی این سرزمین را به ویرانه ای تبدیل کرده است. روستاهای

#### ریشه اصلی درد:

#### "عباس آباد، بازسازی یک روستا"

- "جوانان انقلابی، این سرمایه های بزرگ خلق با سازندگی در روستاها، خود را میسازند."
- فتوای معروف منطقه برای تصاحب زمینها از هیچ دسیسه ای فروگذار نمیگردد

ما را یکی نابود کرده است. و بی تردید حیات کشاورزی و سازندگی روستاهای میهنمان هم چون ترمیم دیگر غرابیهای آنها دای امپریالیستی، از اساسترین وظایف یک دولت کشاورزی و زندگی روستایی خلق

بقیه در صفحه ۴

### اشغال انحصار طلبانه کتابخانه محکوم است

- ارتجاع ماهیت خود را نشان می دهد.
- منطبق توحید از این شیوه هامبراست.

اصولی طاقت کرده. و به آن تن نمیدهند در حقیقت مقاومت در برابر این رفتارهای غیر اسلامی را ستولت ایدئولوژیک خود میدانستند. بالاخره روز چهارشنبه (۴/۲۰)، چند نفر ضمن مراجعه به کتابخانه تلاش میکنند با استفاده از بلندگو ابراد اتهامات واهی از قبیل "کمونیست" و "منافق" نسبت به مسئولین کتابخانه مسجد، مردم محل را تحریک کنند. باین امید که از این طریق مبادرت به اشغال کتابخانه بنمایند، ولی چون مردم کتابها و مسئولین کتابخانه را از قبل شناختند این توپله هم ناموفق میماند. در نهایت مرتضی متول مسئول با آخرین خبر بقیه در صفحه ۱۱



بقیه در صفحه ۱۱

### مجاهد شهید فاطمه امینی چگونه در زیر شکنجه به شهادت رسید؟

- فاطمه پس از دستگیری همسر و هموزم مجاهدش منصور بازرگان همچنان به پیکار خستگی ناپذیر خود ادامه داد

فاطمه پس از دستگیری همسر و هموزم مجاهدش منصور بازرگان همچنان به پیکار خستگی ناپذیر خود ادامه داد.

بقیه در صفحه ۱۱

#### در بیمارستان شهربانی

فاطمه در بهار ۵۴ در بیمارستان شهربانی دیده شد. در آخرین روزهای سال ۵۴ هنگامیکه یکی از برادران بر اثر شکنجه زیاد روانه بیمارستان شهربانی شده بود، فاطمه سانی را در یکی از اتاق های بیمارستان مشاهده میکند. این برادر وضعیت وحشتناک فاطمه را پس از شکنجه هایی که دیده بود چنین توصیف کرده است: "زنی را دیدم که بر روی تختی به حالت نیمه جان افتاده است. برادر دیگری نیز در همین اتاق بستری بود که بر روی تخت جایگزین قرار داشت. اتاق مادی و غیر و تخت فاطمه بوسله برده پاراوان جدا میشد. ما سهولت میتوانستیم از پشت پرده با هم صحبت کنیم. من ابتدا نام این زن را سؤال کردم. وقتی اسمش را گفتم، بدون معیاضاحت پرسیدم از کدام سازمانها یا شاخه مجاهد هستید؟ پاسخ داد: "بله، البته اگر عمل و جهاد در

هفته نامه مجاهد نشریه مجاهدین خلق ایران سال اول - کتشمهره ۱۵ ریحال آدرس تهران - خیابان مصدق جنبش ملی مجاهدین